یا لثارات الحسین (ع)

شنبه
۲۳ آبان ۱۴۰۵
۴ جمادی الثانی ۱۴۴۸
۱۴ نوامبر ۲۰۲۶

سال دوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۶۸۹
www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه
آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!



پاسخ سریع سپاه به تجاوز آمریکا در سیریک

چشم شیطان در بحرین کور شد

۳

عرضه روغن‌های نامرغوب، گرانی و سلامت خودروها، دغدغه جدید رانندگان شده است

ترمز روغن موتور

۶

شکاف دستمزد و تورم در آستانه ۱۴۰۶ عمیق‌تر شد

حقوق ۳۵ درصد بالا می‌رود هزینه زندگی ۸۹ درصد

۷

چرا سفره ایرانی فرهنگ و هویت خود را گم کرد؟

شبیخون به سفره

۴



پیکرهای مطهر ۳۵۰ شهید گمنام دفاع مقدس، روز جمعه همزمان با سالروز شهادت حضرت زهرا (س) در سراسر ایران تشییع شد

سلام فاطمی به فرزندان گمنام وطن

۳

همان همیشگی...



امیر اسماعیلی
سردبیر

با فرارسیدن نیمه آبان و استقرار شرایط پایدار جوی، فصل آلودگی هوا در کلان شهرهای ایران، به ویژه تهران، دوباره آغاز شده است. پیش بینی های سازمان هواشناسی و گزارش های روزانه کیفیت هوا نشان می دهد که از اواخر هفته گذشته غلظت آلاینده ها افزایش یافته و شاخص کیفیت هوا در بسیاری از ساعات به محدوده ناسالم برای گروه‌های حساس و حتی بالاتر رسیده است. تهران در برخی روزها در میان آلوده‌ترین شهرهای جهان قرار گرفته و وارونگی دما، سکون هوا و انباشت ذرات معلق، نفس شهر را تنگ کرده است.

این پدیده هر ساله با شروع فصل سرد تکرار می‌شود. ترکیب خودروها و موتورسیکلت‌های فرسوده، کیفیت سوخت، فعالیت صنایع و نیروگاه‌ها و شرایط جغرافیایی تهران در محصور بودن در میان کوه‌ها دست به دست هم می‌دهند تا آلودگی به بحران تبدیل شود. ذرات معلق کمتر از ۲.۵ میکرون، اکسیدهای نیتروژن و کربن مونوکسید مهم‌ترین تهدیدها هستند که نه تنها برای بیماران قلبی و تنفسی، کودکان و سالمندان خطرناک‌اند، بلکه سلامت عمومی و اقتصاد شهر را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهند.

تجربه سال‌های گذشته و توصیه‌های کارشناسان محیط زیست و شرکت کنترل کیفیت هوای تهران نشان می‌دهد که راه‌حل‌های مقطعی مثل تعطیلی مدارس یا طرح زوج و فرد تنها مسکن‌های کوتاه‌مدت هستند. کاهش پایدار، نیازمند اقدامات ساختاری و مداوم است. مهم‌ترین آنها عبارتند از: توسعه و تقویت حمل‌ونقل عمومی پاک، گسترش مترو، افزایش ناوگان اتوبوس‌های برقی و هیبریدی و تسهیل دسترسی به حمل‌ونقل عمومی. وقتی مردم بتوانند با راحتی و هزینه مناسب از مترو و اتوبوس استفاده کنند، حجم ترافیک و انتشار آلاینده‌ها به‌طور طبیعی کم می‌شود.

نوسازی ناوگان فرسوده و اسقاط خودروها و موتورسیکلت‌های قدیمی؛ سهم قابل توجهی از آلودگی تهران مربوط به خودروها و موتورسیکلت‌های کاربراتوری و فرسوده است. موتورسیکلت‌های قدیمی گاه چندین برابر یک خودرو بنزینی آلودگی تولید می‌کنند. اجرای جدی برنامه اسقاط و جایگزینی با وسایل نقلیه کم‌آلاینده یا برقی، همراه با تسهیلات واقعی، ضروری است. معاینه فنی واقعی و کنترل انتشار در مبدأ؛ معاینه فنی نباید به یک برچسب کاغذی تبدیل شود. پایش واقعی آلایندگی در شرایط رانندگی، محدودیت تردد خودروهای فاقد معاینه فنی معتبر و نصب فیلتر و کاتالیست روی خودروهای موجود می‌تواند در کوتاه‌مدت اثر محسوسی داشته باشد.

بهبود کیفیت سوخت و کنترل صنایع و نیروگاه‌ها؛ کیفیت سوخت همچنان یکی از عوامل مهم است، هرچند تنها عامل نیست. ارتقای استاندارد سوخت، نصب تجهیزات فیلتراسیون روی دودکش صنایع و نیروگاه‌ها و انتقال تدریجی صنایع آلاینده از محدوده شهری، از جمله اقدامات حیاتی است. همچنین جلوگیری از سوزاندن مازوت در شرایط کمبود گاز باید به‌طور جدی پیگیری شود. مدیریت تقاضا و کاهش ترددهای غیرضروری؛ توسعه شهر الکترونیک، افزایش خدمات محلی، مدیریت هوشمند ترافیک و ایجاد محدوده‌های کم‌انتشار، می‌تواند نیاز به سفرهای روزانه را کاهش دهد.

اجرای کامل قانون هوای پاک؛ بسیاری از کارشناسان تاکید دارند که راه‌حل اصلی، اجرای مستمر و قابل سنجش تکالیف قانون هوای پاک است؛ نه واکنش‌های مقطعی در روزهای بحرانی. تعیین مسئولیت مشخص برای هر دستگاه، زمان‌بندی و پایش پیشرفت، شرط موفقیت است. در کنار این اقدامات ساختاری، نقش شهروندان نیز مهم است: استفاده بیشتر از حمل‌ونقل عمومی، اجتناب از ترددهای غیرضروری در روزهای آلوده، سرویس به‌موقع وسایل گرمایشی منازل و توجه به معاینه فنی خودروها.

فصل آلودگی هوا هر سال با هشدار و نگرانی آغاز می‌شود، اما تا زمانی که نگاه از «مدیریت بحران» به «پیشگیری ساختاری» تغییر نکند، این چرخه تکرار خواهد شد. هوای پاک حق شهروندان است و تحقق آن نیازمند اراده جمعی دستگاه‌ها، سرمایه‌گذاری هدفمند و مشارکت مردم است.

سید عبدالکریم هاشمی مطرح کرد

باید جلوی افزایش مستمر و بی‌رویه هزینه‌های تولید گرفته شود



عضو هیات رئیسه کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» با اشاره به نقش تولید در تحقق رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال پایدار اظهار کرد: رونق تولید صرفا با تاکید بر ضرورت سرمایه‌گذاری محقق نمی‌شود، بلکه باید بسترهای لازم برای فعالیت اقتصادی فراهم شود و تولیدکننده اطمینان داشته باشد که در یک محیط نسبتا باثبات و قابل پیش بینی می‌تواند فعالیت کند.

سید عبدالکریم هاشمی نخل ابراهیمی افزود: یکی از مهم‌ترین الزامات حمایت از تولید، کاهش فشارهای مالیاتی بر واحدهای تولیدی است. در این زمینه، استفاده از ظرفیت بخشودگی‌های مالیاتی، مشوق‌های هدفمند و بازنگری در برخی رویه‌های مالیاتی می‌تواند به افزایش نقدینگی بنگاه‌ها کمک کند و منابع بیشتری را برای تامین مواد اولیه، پرداخت حقوق نیروی کار و توسعه خطوط تولید در اختیار آنها قرار دهد.

نماینده مردم «میناب، رودان، جاسک، سیریک و بشاگرد» در مجلس با بیان اینکه حمایت مالی از تولید باید متناسب با شرایط واقعی بنگاه‌ها باشد، تصریح کرد: بسیاری از واحدهای تولیدی برای ادامه فعالیت و حفظ ظرفیت اشتغال خود به سرمایه در گردش نیاز دارند. بنابراین، ضروری است نظام بانکی در پرداخت تسهیلات به بخش تولید نگاه حمایتی داشته باشد و منابع مالی با نرخ سود مناسب، دوره بازپرداخت منطقی و فرآیندهای اداری تسهیل شده در اختیار تولیدکنندگان قرار گیرد.

هاشمی نخل ابراهیمی ادامه داد: در کنار حمایت‌های مالیاتی و بانکی، موضوع بیمه نیز باید به‌صورت جدی مورد توجه قرار گیرد. هزینه‌های بیمه‌ای، به‌ویژه برای واحدهایی که نیروی انسانی قابل توجهی دارند، بخشی از هزینه‌های ثابت و مستمر تولید را تشکیل می‌دهد. از این‌رو، طراحی مشوق‌های بیمه‌ای، بخشودگی جرایم در چارچوب ضوابط قانونی و حمایت از کارفرمایانی که اشتغال موجود را حفظ یا نیروی کار جدید جذب می‌کنند، می‌تواند به پایداری فعالیت بنگاه‌ها کمک کند. از سوی دیگر سیاست‌های حمایتی باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که تولیدکننده به جای درگیر شدن با موانع اداری و هزینه‌های متعدد، بتواند تمرکز خود را بر افزایش بهره‌وری، ارتقای کیفیت محصولات و توسعه بازارهای داخلی و صادراتی قرار دهد.

عضو هیات رئیسه کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در ادامه، کنترل تورم تولید را یکی از ضرورت‌های اساسی اقتصاد کشور دانست و گفت: در کنار تمام حمایت‌هایی که از تولیدکنندگان صورت می‌گیرد، باید جلوی افزایش مستمر و بی رویه هزینه های تولید نیز گرفته شود. وقتی قیمت مواد اولیه، انرژی، حمل‌ونقل، تجهیزات، دستمزد و سایر نهاده های تولید به صورت مداوم افزایش پیدا می‌کند، هزینه تمام شده محصولات بالا می‌رود و قدرت رقابت بنگاه‌های اقتصادی کاهش می‌یابد. وی خاطرنشان کرد: نمی‌توان از یک طرف انتظار افزایش سرمایه‌گذاری، رشد تولید و ایجاد اشتغال داشت و از طرف دیگر شرایطی ایجاد کرد که هزینه فعالیت اقتصادی هر روز بیشتر شود. تولیدکننده باید بتواند برای آینده برنامه‌ریزی کند و از ثبات نسبی در تامین مواد اولیه، منابع مالی و سایر نهاده‌های مورد نیاز خود برخوردار باشد. هاشمی نخل ابراهیمی با اشاره به پیامدهای اقتصادی افزایش هزینه‌های تولید اظهار کرد: اگر تورم تولید کنترل نشود، حاشیه سود بنگاه‌ها کاهش پیدا می‌کند و در برخی موارد ادامه فعالیت اقتصادی دیگر توجیه و صرفه لازم را نخواهد داشت. در چنین شرایطی، سرمایه‌گذار برای توسعه فعالیت خود انگیزه کمتری خواهد داشت و حتی ممکن است برخی واحدها ناچار به کاهش ظرفیت تولید یا تعدیل نیروی انسانی شوند. همچنین پیامد این وضعیت تنها متوجه یک واحد تولیدی نیست، بلکه آثار آن در سطح کلان اقتصاد نمایان می‌شود؛ کاهش سرمایه‌گذاری، افت تولید، محدود شدن فرصت‌های شغلی و کاهش توان رقابتی اقتصاد از جمله نتایجی است که می‌تواند تحقق اهداف رشد اقتصادی را با مشکل مواجه کند.

هاشمی نخل ابراهیمی با تاکید بر ضرورت هماهنگی سیاست‌های اقتصادی گفت: حمایت از تولید زمانی اثربخش خواهد بود که مجموعه سیاست‌های مالیاتی، پولی، بانکی، بیمه‌ای و تجاری در یک مسیر مشخص حرکت کنند. اگر در یک بخش مشوق مالیاتی در نظر گرفته شود اما در بخش دیگر هزینه تامین مالی یا قیمت نهاده‌های تولید افزایش پیدا کند، اثر حمایت‌های انجام‌شده تا حد زیادی خنثی خواهد شد. نماینده مردم میناب، رودان، جاسک، سیریک و بشاگرد اضافه کرد: لازم است در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، آثار هر سیاست بر هزینه تمام شده تولید، سرمایه در گردش بنگاه ها و توان اشتغال زایی آنها مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین باید از تصمیمات ناگهانی و بخشنامه‌هایی که موجب بی‌ثباتی در فضای کسب‌وکار می‌شوند، پرهیز شود.

بیت‌الله عبداللهی با اشاره به مانع‌تراشی در مسیر تولید
با الزام به دریافت ۲۵ استعلام عنوان کرد

دست و پای تولیدکننده را بسته‌ایم!



بیت‌الله عبداللهی در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» با بیان اینکه بخشی از مشکلات تولید و اجرای پروژه‌های عمرانی به ضعف مدیریت بازمی‌گردد، گفت: در بسیاری از موارد سرمایه‌گذار وجود دارد، اما زیرساخت های لازم فراهم نیست؛ در برخی موارد نیز زیرساخت ها آماده است، اما برخورد نامناسب نظام اداری و طولانی بودن فرآیندهای بروکراتیک، انگیزه سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد.

نماینده مردم «اهر و هریس» در مجلس شورای اسلامی افزود: وقتی یک سرمایه‌گذار احساس کند برای راه‌اندازی فعالیت تولیدی خود باید یک یا دو سال درگیر دوندگی‌های اداری باشد، طبیعی است که از ادامه مسیر منصرف شود. از این‌رو، قوانین و مقررات حوزه تولید باید به درستی اصلاح شوند؛ چراکه متاسفانه بروکراسی اداری اجازه نمی‌دهد برخی قوانین در مسیر صحیح اجرا قرار گیرند.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس با بیان اینکه مقررات دست و پاگیر یکی از موانع اصلی توسعه کشور است، تصریح کرد: باید صریح بگویم که در برخی موارد دست و پای تولیدکننده را بسته ایم و در عین حال از او انتظار داریم در میدان تولید بدود. این رویکرد با اهداف توسعه اقتصادی و حمایت از تولید سازگار نیست. عبداللهی با اشاره به مشکلات صادرکنندگان در مرزهای کشور، گفت: برخی صادرکنندگان نسبت به توقف طولانی مدت کامیون‌های خود در مرزها، گلایه دارند. به گفته آنها، کامیون‌های صادراتی حدود ۳۵۰ ساعت و در برخی موارد تا ۶۰۰ ساعت در مرز و محوطه گمرکی متوقف می‌مانند. این نماینده مجلس با تاکید بر اینکه مردم و سرمایه‌گذاران علاقه‌مند به فعالیت در حوزه تولید هستند، بیان کرد: افراد زیادی سرمایه و توانایی لازم برای ورود به عرصه تولید را دارند و برخی از آنها نیز تجربه و تخصص کافی در این زمینه دارند، اما بروکراسی اداری مانع فعالیت آنها می‌شود. این مشکلات هم در فرآیند تولید و هم در مسیر صادرات وجود دارد و در کنار آن، در برخی مناطق با کمبود زیرساخت‌ها نیز مواجه هستیم.

وی با اشاره به مشکلات تامین برق در واحدهای تولیدی، تاکید کرد: کمبود برق یکی از موانع اساسی توسعه تولید و اشتغال است. این مشکل همچنان در بسیاری از مناطق، از جمله استان و شهرستان‌های حوزه انتخابیه ما وجود دارد و به مجموعه موانعی اضافه می‌شود که فعالیت تولیدکنندگان را دشوار کرده است. عبداللهی خاطرنشان کرد: بخشی از مشکلات تولید به مقررات، بخشی به عملکرد برخی کارکنان دستگاه‌های اجرایی، بخشی به فرآیندهای صادراتی و بخشی نیز به کمبود زیرساخت‌ها بازمی‌گردد. در حالی که مردم علاقه‌مند به تولید هستند و حتی برخی از آنها برای آغاز فعالیت خود به تسهیلات هم نیازی ندارند؛ بلکه تنها انتظار دارند مسئولان مانع فعالیت‌شان نشوند و مجوزهای لازم را در سریع‌ترین زمان ممکن صادر کنند. چراکه تولیدکنندگان همواره به مسئولان می‌گویند اگر مجوزهای لازم را سریع صادر کنید، ما مطابق مقررات فعالیت خواهیم کرد، تولید خواهیم داشت، اشتغال ایجاد می‌کنیم و محصولات خود را به بازارهای صادراتی می‌فرستیم. این نماینده مجلس با انتقاد از تعدد استعلام‌های مورد نیاز برای آغاز فعالیت‌های تولیدی، اظهار کرد: متاسفانه تولیدکننده برای شروع فعالیت خود با حدود ۲۵ مورد استعلام مواجه است و طی کردن این فرآیندها می‌تواند زمان بسیار طولانی، حتی تا چند سال، به طول بینجامد. چنین شرایطی انگیزه فعالان اقتصادی را کاهش می‌دهد و مانعی جدی در مسیر سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی واحدهای تولیدی است. عبداللهی همچنین بر ضرورت افزایش اختیارات استان‌ها و شهرستان‌ها تاکید کرد و گفت: باید بخش بیشتری از اختیارات اجرایی و تصمیم‌گیری را به استان‌ها و شهرستان‌ها واگذار کنیم تا مسائل و مشکلات تولیدکنندگان در همان مناطق و بدون گرفتار شدن در فرآیندهای طولانی اداری برطرف شود.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس در ادامه با تاکید بر ضرورت تغییر رویکرد دستگاه‌های نظارتی در مواجهه با فعالان اقتصادی، بیان کرد: دستگاه‌های نظارتی باید در مسیر تولید کمک‌کننده و تسهیلگر باشند، نه اینکه صرفا به دنبال مچ‌گیری باشند. البته ما به هیچ عنوان خواستار کاهش نظارت ها نیستیم و معتقدیم نظارت باید به طور جدی وجود داشته باشد، اما شیوه نظارت نباید به‌گونه‌ای باشد که مدیران و تولیدکنندگان از پذیرش مسئولیت و تصمیم‌گیری هراس داشته باشند. این نماینده مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: متاسفانه در برخی موارد آن‌قدر در فرآیندهای نظارتی سخت‌گیری شده که شجاعت تصمیم‌گیری را از مدیران و تولیدکنندگان گرفته‌ایم و کسی حاضر نیست برای پیشبرد امور ریسک کند. نظارت باید برقرار باشد، اما دستگاه های ناظر باید به‌گونه‌ای عمل کنند که نفس نیمه جان تولید نیز قطع نشود.



امیر حاتمی، فرمانده کل ارتش:
دشمن در صورت تعرض مجدد با آسیب‌های سنگین‌تری مواجه می‌شود

«آگاه» در گزارشی به تبیین راهبرد ایران هرچه قوی‌تر در مسیر پیشرفت همه‌جانبه پرداخت

نقشه راه ایران قوی

۱۳ آبان حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای در پیام روز ملی مبارزه با استکبار جهانی که محتوای پیام ایشان استمرار گفتمان «علی‌الاصول» بود، تنها راه رسیدن به نقطه بازدارندگی مطلق در برابر دشمنان ایران را «استمرار راهبرد ایران هرچه قوی‌تر در مسیر پیشرفت همه‌جانبه» دانستند. آنچنان‌که از مواضع ایشان برمی‌آید تحقق این راهبرد، مستلزم «هم‌عهدی» و ایفای وظایف متقابل مردم و مسئولان در قبال به فعلیت رساندن مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور است.



وقتی صحبت از «ایران قوی» می‌شود، نباید آن را صرفا با رشد اقتصادی یا رفاه اجتماعی یکی دانست. در معادلات امروز جهان، قوی بودن یعنی داشتن قدرت انتخاب. دشمنان با استفاده از ابزارهای فشار، می‌خواهند ایران را در موقعیتی قرار دهند که مجبور به انتخاب‌های محدود و از سر ناچاری باشد. لذا، هدف راهبرد جدید، رسیدن به نقطه‌ای است که ایران نه تنها تحت فشار قرار نگیرد، بلکه با قدرت هرچه بیشتر تاثیرگذاری و نفوذ خود را در منطقه و حتی جهان نشان دهد و این یعنی گذار از دفاع صرف به بازدارندگی مطلق.

تبیین اهمیت «ایران قوی»

بازدارندگی مطلق، فراتر از مفهوم نظامی، فرآیند سوق دادن دشمن به سمت محاسبات هزینه‌بر است، به گونه‌ای که پیش از هرگونه اقدام خصمانه، با تصویری از پیامدهای سنگین و ویرانگر روبه‌رو شود و در نهایت از تقابل با «جمهوری اسلامی» انصراف دهد. در دنیای فاقد قانون، تنها قدرت است که می‌تواند از مرزها و ارزش‌ها پاسداری کند، از این‌رو، «ایران قوی» تضمین‌کننده حاکمیت ملی است و اجازه نمی‌دهد هیچ قدرت خارجی در تصمیمات داخلی یا سیاست‌های خارجی ما نفوذ کند.

علاوه بر این، امنیت اقتصادی و توسعه نیز در گرو این قدرت است، چرا که تا زمانی که ایران در وضعیت تهدید مداوم قرار داشته باشد، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی با ریسک‌های بالایی مواجه می‌شود. به همین جهت قدرت نظامی و سیاسی، بستری امن برای شکوفایی اقتصادی فراهم می‌آورد.

ایران اکنون با تکیه بر توانمندی‌های خود، توانسته در مدیریت حوادث و رویدادها، قواعد بازی را به نفع خود رقم بزند و با اعمال اراده ملی، مسیر آینده کشور را با شعار «ما می‌توانیم» پیش ببرد. حال پرسمان مطرح شده این است: «برای دستیابی به ایران قوی که مد نظر عالی‌ترین مقام کشور است، باید چه کرد؟ مسئولان و مردم چه وظایفی برعهده دارند؟»

رسیدن به این سطح از قدرت، با دستور یا تصمیم یک شبه اتفاق نمی‌افتد؛ مسیری است که باید با دقت طی شود. برای اینکه واقعا به نقطه‌ای برسیم تا دشمن جرات تجاوزه دوباره به مرز و بوم ما را نداشته باشد، سه اصل مهم را باید در نظر گرفت:

الف) اگر ما در مولفه‌های حیاتی مثل انرژی، تکنولوژی‌های حساس یا حتی قطعات کوچک صنعتی وابسته باشیم، هرچقدر هم موشک داشته باشیم، باز هم یک جای کار می‌لنگد. چون دشمن می‌داند از کجا می‌تواند ما را تحت فشار بگذارد. بازدارندگی واقعی یعنی هر جای دنیا که بودیم، بدانیم نیازهایمان را خودمان تامین می‌کنیم و هیچ‌کس نمی‌تواند با تهدید به قطع یک قطعه یا یک ماده اولیه، ما را به عقب براند. بر همین اساس از سال ۵۷ تا به امروز- به وقت آبان ۱۴۰۵- ایران همیشه روی پای خود ایستاده و هیچ‌گاه متکی به غربی‌ها یا بهتر است بگوییم آن‌ور آبی‌ها نبوده و نخواهد بود. به دلیل آنکه نیک می‌دانیم آنها چه خواب‌هایی برای سرزمین مادریمان دیده‌اند.

ب) قدرت را نباید فقط محدود به عرصه دفاعی دانست. اگر اقتصادمان ضعیف باشد یا در دنیای دیجیتال و تکنولوژی عقب باشیم، دچار شکافی می‌شویم که می‌تواند تمام تلاش‌های ما را بی‌اثر کند. بازدارندگی واقعی به منزله آن است، وقتی دشمن به ما نگاه کند، ببیند هم در میدان جنگ قوی هستیم، هم در اقتصاد دست برتر را داریم و هم در علم و فناوری پیشرو هستیم. در آن صورت، خواهد فهمید با دیواری روبه‌رو است که هیچ سوراخی در آن نیست.

پ) ایران سال‌هاست که تحت فشار و تحریم‌های غربی‌ها و ایالات متحده قرار دارد. اما هنر رسیدن به قدرت این است که به جای اینکه فقط بگوییم تحریم شدیم، بگوییم چطور از این تحریم استفاده کنیم تا جایگزین‌های داخلی را بسازیم. از اول انقلاب تا عصر حاضر، مسیرهایی را در پیش گرفته‌ایم تا نشان دهیم، تحریم‌ها ما را از پا نمی‌اندازد با این حال برای قوی شدن بیشتر باید به گونه‌ای جلو برویم تا هر ضربه‌ای که دشمن می‌زند، به جای آنکه ما را زمین بزند، راه‌های جدیدی برای پیشرفت پیدا شود. این چرخه از دانشگاه‌ها آغاز می‌شود؛ جایی که نباید صرفا به مکانی برای گرفتن مدرک و گذراندن کلاس‌ها محدود شوند، آنها باید به کارخانه‌های تولید دانش و مرکز حل مسائل کشور تبدیل شوند. راه اصلی پیشرفت در اینجا نه در کارهای تئوری، بلکه در این است که پروژه‌های دانشگاهی، دقیقا همان شکاف‌ها و مشکلاتی را حل کنند که تحریم‌ها ایجاد کرده‌اند، به عبارتی اگر در یک قطعه یا فناوری خاص، در تنگنا هستیم، دانشگاه باید با تولید دانش کاربردی، آن جای خالی را پر کند.

اما دانش تولید شده در دانشگاه، تا زمانی که به دست متخصصان نرسد، بی‌فایده خواهد بود و اینجاست که نقش نخبگان به عنوان ستون‌های اصلی استقلال علمی، برجسته می‌شود. راه جدید برای نخبگان، فراتر رفتن از مرزهای سنتی و کارهای تکراری است؛ آنها باید با نگاه کلان، به دنبال تقویت تکنولوژی‌های بومی باشند؛ فناوری‌هایی که چنان ریشه‌دار و مستقل باشند که دشمن نتواند با قطع دسترسی یا فشار سیاسی، آنها را از کار بیندازد؛ نخبگان باید بتوانند فشار تحریم را به انگیزه‌ای بی‌پایان برای نوآوری و خلاقیت تبدیل کنند.

این زنجیره بدون حمایت مسئولان قطع خواهد شد. مسئولان نباید تنها به مدیریت وضعیت موجود و روزمرگی‌ها اکتفا کنند، آنان باید نقش اصلی‌شان را به درستی و با دقت ایفا کنند. وظیفه کارگزاران ایجاد بسترهای امن و بی‌دغدغه برای نخبگان و دانشمندان است؛ با حذف بروکراسی‌ها و ایجاد حمایت‌های واقعی، راه را برای متخصص‌ها هموار کنند. اگر مسئولان بتوانند این حمایت‌ها را نه در شعار، در عمل فراهم کنند، آن وقت است که می‌توانیم بگوییم تحریم‌ها، نه تنها ما را عقب نینداخته، بلکه باعث شده‌اند با سرعتی باورنکردنی به سمت خودکفایی حرکت کنیم. البته که تا به حال گام‌های ارزنده‌ای برداشته شده اما زین پس باید با شتاب بیشتری مسیر را سپری کرد.

بنابراین اگر دانشگاه، دانش تولید کند، نخبگان آن دانش را به ابزار قدرت تبدیل کنند و مسئولان راه را برای آنها صاف و هموار کنند، هر ضربه دشمن، به جای آنکه ما را زمین بزند، به موتور محرکه پیشرفت تبدیل خواهد شد.

اما مردم باید چه کنند؟ پاسخ: مردم، همان ستون‌های ساختمان قدرت هستند. وقتی از تولید داخلی حمایت می‌کنیم، درواقع به امنیت ملی کمک می‌کنیم. هرکالایی که ما خودمان می‌سازیم و می‌خریم، با آن زنجیری به پای دشمن زده می‌شود. متجاوزان آمریکایی و صهیونی نتوانسته‌اند با جنگ نظامی ایران را شکست دهند، از این‌رو سعی می‌کنند با رسانه‌ها و شایعات، مردم را از دولت و مسئولان جدا کنند. وظیفه مردم این است، فریب این بازی‌ها را نخورند و جبهه داخلی را محکم نگه دارند. در اصل هرکس در جایگاه خودش، چه در مدرسه، چه در کارخانه و... اگر بهترین خود باشد و با تخصص کار کند، دارد به این «ایران قوی» کمک می‌کند.

پیش‌شرط‌های ایران قوی



امیررضا واعظ‌آشتیانی درباره پیش‌شرط‌های رسیدن به «ایران قوی» در گفت‌وگو با خبرنگار «آگاه» گفت: برای رسیدن به ایران قوی می‌توان از فاکتورهای متعددی یاد کرد، اما مهمترین و حائز اهمیت‌ترین آنها، ایجاد اعتماد عمومی است. مسئولان باید در چارچوبی فعالیت کنند که مردم باور داشته باشند آنها در حال خدمت به مردم و کشور هستند، با دوراندیشی و برنامه‌ریزی پیش می‌روند و فعالیت‌های‌شان بر پایه آزمون و خطا نیست؛ بنابراین بحث اعتماد عمومی، پایه و اساس این مسیر است.

وی افزود: نکته بسیار حائز اهمیت دیگر، انسجام، وحدت و همدلی است که با ایجاد اعتماد عمومی، شرایط آن نیز مهیا می‌شود و پس از فراهم شدن این شرایط می‌توان گام‌های بعدی را برداشت. فعال سیاسی با اشاره به تاکیدات امام راحل (ره) بر ضرورت حرکت کشور در مسیر تولید دانش، به‌ویژه دانش فنی، تصریح کرد: نسل جوان پرانرژی امروز که خود را متعهد به آرمان‌های انقلاب و کشور می‌داند، باید مورد حمایت قرار گیرد و سازوکارهای حمایتی لازم برای آن تعریف شود تا این نسل بتواند در جهت تولید دانش، که برگرفته از توان جوانان و دانشمندان کشور، به‌ویژه در حوزه دانشگاه است، گام بردارد.

واعظ‌آشتیانی با بیان اینکه هرچه بیشتر در مسیر تولید دانش سرمایه‌گذاری کنیم، به قله مورد نظر نزدیک‌تر خواهیم شد، اظهار کرد: ما نیازمند تولید دانش فنی هستیم و در هر حوزه‌ای که بخواهیم به موفقیت برسیم، به تولید دانش نیاز داریم.

وی با اشاره به دستاوردهای کشور، گفت: ما امروز در حوزه‌های پزشکی و فنی، اعم از مسائل عمرانی، پل‌سازی و دانش هسته‌ای، پیشرفت‌های خوبی داشته‌ایم که این موفقیت‌ها نیز برگرفته از همان نگاه و اندیشه امام شهیدمان است، لذا تولید دانش یکی از موضوعات بسیار حائز اهمیت به شمار می‌رود.

عضو شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی با بیان اینکه نکته مهم دیگر، بصیرت کارگزاران نظام است، تاکید کرد: اگرچه بصیرت به آحاد مردم نیز اطلاق می‌شود، اما بصیرت لازم برای کارگزاران نظام در مقاطع حساس باید به‌طور ویژه مدنظر قرار گیرد؛ نباید به گونه‌ای حرکت کنیم که در جریان مذاکرات، مسئولی سخنی بگوید که برای کشور چالش‌ساز شود. البته منظور من ناظر بر مذاکرات گذشته است و بحث مذاکرات فعلی را مطرح نمی‌کنم، اما در هر حال بصیرت در اینجا بسیار حائز اهمیت است.

واعظ آشتیانی افزود: باید بدانیم کجا باید مراقبت کنیم، چه زمانی سخن درست بگوییم و از چه ادبیاتی استفاده کنیم تا دشمن روی آن حساب باز نکند. چه بسا گاهی شاهد بوده‌ایم برخی مسئولان- چه در گذشته و چه در حال- اولویت گفتمانی را رعایت نکرده و همین امر باعث شده است تا دشمن روی این گفته‌ها و ادبیات مانور دهد.

وی با بیان اینکه ایران قوی به همدلی، انسجام، وحدت و پرهیز از هرگونه مناقشه نیاز دارد، گفت: در هر جامعه‌ای انتقاد وجود دارد و هیچ دولتی یا قوه مقننه و قضاییه‌ای بی‌نقص نیست؛ از این‌رو می‌توان با انتقاد سازنده و کارشناسی، به بهبود عملکرد قوا کمک کرد و مسیر را برای آنها هموار ساخت.

حرف آخر

باید دریافت «ایران قوی» که در پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای ترسیم شده، هدف انتزاعی یا صرفا آرمان سیاسی نیست؛ الزام و وجودی برای بقا و شکوفایی کشورمان است. ما با معادله دوطرفه مواجه خواهیم بود؛ پیشرفت و قدرت دو روی یک سکه هستند. اگر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی نباشد، بازدارندگی ما بی معناست و اگر بازدارندگی نظامی نباشد، پیشرفت‌های ما نادیده گرفته می‌شود و باید هر دو را همزمان با هم دید و مورد توجه قرارداد.

بنابراین، رسیدن به این نقطه، مستلزم عبور از پارادایم‌های قدیمی است. ما نیازمند عبور از مدیریت بحران به سمت مدیریت توسعه و از واکنش به تهدید به سمت ساخت «قدرت پیش‌دستانه» هستیم. این مسیر، با «هم‌عهدی» و پیوند ناگسستنی میان اراده مردم و عزم و تلاش مسئولان ایجاد می‌شود. «ایران قوی» یعنی کشوری که با داشتن بازدارندگی مطلق، همزمان با پیشرفت همه‌جانبه، توانایی تعیین سرنوشت خود را بدون وابستگی به هیچ قدرت خارجی در اختیار دارد. این همان نقطه بازدارندگی مطلق است؛ جایی که قدرت، ابزار امنیت و پیشرفت، موتور حرکت این قدرت می‌شود.

«آگاه» در گزارشی مواضع فرماندهان میدان را بررسی کرد

ضربات ۱۰ برابری ایران به متجاوزان



شهید حسن طهرانی‌مقدم با شناخت دقیق دشمن، ایمان، بینش و آگاهی ارزشمند خود به این نتیجه رسید، جمهوری اسلامی ایران برای حفظ استقلال و اقتدار خود باید به توانمندی‌های دفاعی، به‌ویژه سامانه‌های موشکی، دست پیدا کند. این شهید در دوران دفاع مقدس و پس از آن، با تمرکز بر توسعه سامانه‌های موشکی زمین به زمین، نقش مهمی در ایجاد قدرت بازدارندگی و توان دفاعی کشور ایفا کرد. به یاد حاج‌حسن هفته‌ای به نام هفته هوافضا نامگذاری شده است. هفته‌ای که در آن پیام‌های مهمی از تهران به سمت متجاوزان منتقل شد.

در دوران دفاع مقدس هشت ساله هنگامی که شهرهای ایران هدف حملات موشکی دشمن قرار می‌گرفتند، کشور از سامانه‌های موشکی لازم برای مقابله به مثل برخوردار نبود و همین مسئله ضرورت دستیابی به این توانمندی را آشکار کرد. در چنین شرایطی شهید طهرانی‌مقدم به‌عنوان نخستین فرمانده موشکی وارد این عرصه شد. او از همان ابتدا رویکرد خودکفایی و استقلال را دنبال می‌کرد و تلاش داشت تجهیزات و سامانه‌های مورد نیاز کشور با تکیه بر توان داخلی توسعه پیدا کنند.

روند پیشرفت موشکی کشور به‌صورت تدریجی و مرحله به مرحله شکل گرفت؛ از موشک نازعات تا موشک‌های شهاب یک، شهاب دو و شهاب سه که در دهه ۷۰ توسعه یافتند. تجربه‌های به دست آمده در هر مرحله، زمینه پیشرفت‌های بعدی را فراهم کرد.

در دنیای امروز که معادلات قدرت دیگر تنها در مرزهای زمینی و جبهه‌های سنتی خلاصه نمی‌شود، آسمان به اصلی‌ترین و حساس‌ترین جبهه نبرد تبدیل شده است. در عصر تکنولوژی، هر کشوری که نتواند بر حریم هوایی و قلمرو فضای خود مسلط شود، در برابر تهدیدات نوین، بی‌دفاع و آسیب‌پذیر خواهد بود. امروز، در حالی که استکبار جهانی تلاش می‌کند با استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته و فشارهای همه‌جانبه، اراده ملت‌های مستقل را درهم بشکند، ایران با نمایش توانمندی‌های نوظهور در عرصه هوافضا و پدافند، پیامی کاملا متفاوت را به گوش جهان رسانده است. این پیام، نه ادعای ساده، بلکه بازتاب واقعیت جدید در قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران است؛ واقعیتی که نشان می‌دهد موازنه با دشمن، به نفع ما تغییر کرده است.

وقتی به دستاوردهای امروز نیروی هوافضای سپاه نگاه می‌کنیم، نباید فراموش کنیم، نقطه شروع ما کجا بود. پس از پیروزی انقلاب، دست ایران در صنعت دفاعی خالی بود، تجهیزاتی که قدیمی بود و دسترسی به تکنولوژی‌های پیشرفته، توسط غرب مسدود شده بود. اما با این حال فرزندان خمینی کبیر روی پایشان ایستادند و با خودباوری، قله‌ها را یکی پس از دیگری فتح کردند. با تکیه بر ایستادگی مردم و رهبری خردمندانه امام امت، ایران، مسیر سخت خودکفایی را انتخاب کرد و جهش واقعی در دوران زعامت قائد شهید (ره) اتفاق افتاد. ایشان با نگاهی آینده‌نگر، روی دانش بومی و تخصص جوانان سرمایه‌گذاری کردند و مسیر را برای تبدیل شدن ایران به قدرت موشکی و پهپادی هموار ساختند.

آقای شهید ایران سال ۱۳۹۹ در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی فرموده بودند: «نظام جمهوری اسلامی حق ندارد وضع دفاعی کشور را جوری قرار بدهد که یک آدم بی‌عرضه‌ای مثل صدام‌حسین بتواند بیاید شهر تهران را بمباران کند، موشک بزند و هواپیمای میگ ۲۵ او بیاید روی آسمان تهران حرکت کند و کاری از دست نظام برنیاید. این اتفاق افتاد؛ در همین شهر تهران یا موشک عراقی می‌آمد -که همین آقایان اروپایی‌ها تقویت کرده بودند وضع موشکی او را که موشک‌های او می‌توانست از بغداد برسد به تهران؛ حالا شهرهای دیگر به جای خود- یا هواپیمای میگ ۲۵ می‌آمد از ارتفاع بالا بمباران می‌کرد، کاری هم نمی‌توانستیم بکنیم، امکاناتی نداشتیم. نظام اسلامی حق ندارد کشور را به این شکل نگه دارد و ما به توفیق الهی [این جوری] نگه نداشته‌ایم. امروز قدرت دفاعی ما جوری است که دشمنان ما در محاسبات‌شان ناگزیرند توانایی‌های ایران را به حساب بیاورند. وقتی که موشک جمهوری اسلامی می‌تواند پرنده متجاوز آمریکایی را که آمده روی آسمان ایران ساقط کند، یا آن وقتی که موشک‌های ایرانی می‌توانند پایگاه عین‌الاسد را آن جور درهم بکوبند، آن وقت دشمن مجبور است در محاسبات خودش، در مورد تصمیم‌های نظامی خودش، روی این قدرت کشور و روی این توانایی کشور حساب کند. ما نباید کشور را بی‌دفاع بگذاریم؛ این وظیفه ما است. نبایستی کاری کنیم که دشمن جرات کند و در مقابل دشمن از ما کاری برنیاید.»

دستاوردهای امروز هوافضای سپاه ـ از پهپادهای پیشرفته تا موشک‌های دوربرد. فراتر از پیشرفت نظامی است؛ گواهی بر استقلال کامل ماست. این توانمندی‌ها ثابت کرد، ایران بدون نیاز به غرب، قادر است آسمان خود را مدیریت کند و این قدرت به یکی از سنگین‌ترین ابزارهای بازدارندگی ایران در برابر دشمن تبدیل شده است.

در همین رابطه سرلشکر محسن رضایی، دبیر شعام پنج شنبه هفته گذشته به مناسبت هفته هوافضا پیامی صادر و تاکید کرد: نیروی هوافضای سپاه فرامین حکیمانه فرمانده کل قوا را سرلوحه اقدامات خود قرارداده و مهیای خلق شگفتانه‌های جدید در صحنه نبرد با دشمن آمریکایی - صهیونیستی است. پیام او حامل یک پیام مهم است: «خلق شگفتانه‌های جدید». یعنی ما دیگر در سطح پاسخ دادن نیستیم، در سطح «شگفت‌زده کردن» دشمن هستیم. این پیام به دشمن می‌گوید که توانمندی‌های هوافضای سپاه، چیزی نیست که در گزارش‌ها مکتوب شده باشد. ایران همیشه شگفتانه‌هایی در آستین دارد که در زمان مناسب، معادلات را تغییر دهد. تاکید دبیر شورای عالی امنیت ملی بر اینکه فرامین رهبری سرلوحه اقدامات است، نشان می‌دهد این توانمندی‌ها، نه برای نمایش، برای اجرای دقیق سیاست‌های کلان نظام در نبرد با آمریکا و رژیم صهیونیستی طراحی شده‌اند.

حال در فضای شکل گرفته، اگر پیام سرلشکر رضایی را تیغ برنده بدانیم، مواضع سردار شکارچی و امیر حاتمی، سپر پولادین و زبان تشر ایران است. سردار ابوالفضل شکارچی در گفت‌وگویی درباره تداوم روند تقویت توان دفاعی کشور اظهار کرد: وضعیت امروز نیروهای مسلح نسبت به پیش از آغاز جنگ بهتر شده و تولید تجهیزات و تسلیحات راهبردی کشور در طول جنگ نیز هرگز متوقف نشده است.

وی با بیان اینکه نیروهای مسلح از تجربیات دو جنگ تحمیلی دوم و سوم استفاده کرده‌اند، افزود: کاستی‌ها و خلأهای احتمالی نیز به‌سرعت برطرف شده و روند پیشرفت و ارتقای اقتدار دفاعی کشور همچنان ادامه دارد. در صورت لزوم، شدت عمل نیروهای مسلح ۱۰ برابر خواهد شد.

سخنان سخنگوی ارشد نیروهای مسلح، هشداری دقیق است. اشاره به تجربیات جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم حکایت از آن دارد، ایران در مرحله آزمون و خطا نیست. تحرکات دشمن را شناسایی می‌کنند و هر جسارت کوچکی از سوی دشمن، با پاسخی در مقیاس ۱۰ برابر و ویرانگر روبه‌رو خواهد شد. این یعنی هزینه کردن برای جنگ با ایران، برای دشمن غیرمنطقی است.

سومین پیام بازدارندگی از سوی فرمانده کل ارتش صادر شد. امیر سرلشکر حاتمی، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران ۲۱ آبان در بازدید از نمایشگاه بقایای پهپادها و موشک‌های ساقط شده توسط نیروی پدافند هوایی با تاکید بر نقش آفرینی برجسته رزمندگان پدافند هوایی در جنگ‌های اخیر، گفت: نیروی پدافند هوایی ارتش با بهره‌گیری از تجربیات و دستاوردهای نبردهای گذشته، آمادگی‌های جدیدی کسب کرده است و هر متجاوزی که بار دیگر به کشورمان تعرض کند، با آسیب‌های سنگین‌تری مواجه خواهد شد.

در مجموع اگر سه پیام را کنار هم قرار دهیم، تصویر واحد و تکامل یافته از قدرت ایران را می‌بینیم. قدرت دفاعی «جمهوری اسلامی» پیامی صریح به آمریکا و رژیم صهیونیستی است؛ دوران توهم برتری نظامی به پایان رسیده است. ایران امروز، نه از روی احساس، بلکه با تکیه بر تکنولوژی بومی، تجربیات نبرد و اراده ملی، به نقطه‌ای رسیده است که هرگونه جسارتی در برابرش، به معنای خودکشی برای دشمن خواهد بود.



حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد، امام جمعه موقت تهران:

دکترین دفاعی ایران بر تحمیل هزینه نامتناسب به هر متجاوز استوار است

شنبـه/ ۲۳ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۸۹

پیکرهای مطهر ۳۵۰ شهید گمنام دفاع مقدس، روز جمعه همزمان با سالروز شهادت حضرت زهرا (س) در سراسر ایران تشییع شد

سلام فاطمی به فرزندان گمنام وطن

روز جمعه در سالروز شهادت بانوی دو عالم، حضرت فاطمه زهرا (س)، ایران اسلامی یکبار دیگر عطر بهشتی شهادت را تنفس کرد و کوچه‌هایش با گام‌های مردمی که پیکرهای مطهر ۳۵۰ شهید گمنام دفاع مقدس را بر دوش گرفته بودند، به عرش پیوست. درهوای این جمعه پاییزی، بوی گلاب و باروت با هم آمیخته بود؛ بوی گلاب از کوچه‌های فاطمیه و بوی باروت از خاطره مردانی که برای امنیت این خاک، حتی نامشان را هم فدا کردند. ۳۵۰ شهید گمنام، ۳۵۰ روایت خاموش از هشت سال ایستادگی و روز جمعه، ملت ایران با دوش‌های خود، بلندترین سلام تاریخ را به آنان تقدیم کرد.



تشییع روز جمعه، نه یک مراسم، که یک عهد بود؛ عهدی که ملت با شهیدان بستند و چه زیباست که در روز شهادت حضرت زهرا (س)، مادر شهیدان، پیکر فرزندان گمنامش را ملت مبعوث ایران بر دوش بگیرد. روز جمعه، ایران، یک پارچه دعا شد؛ از پنجره خانه‌ها تا خیابان‌های شهر، همه یک صدا گفتند: «خوش آمدید، ای مسافران بی‌نشان وطن». شهید گمنام، گمنام نیست؛ او نامش را از مردم گرفت و در عوض، جاودانگی را به آنان بخشید و امروز، مردم همان امانت را با دوش و دیده، بازگرداندند.

تزریق خون تازه به رگ‌های ملت

تشییع پیکرهای مطهر ۳۵۰ شهید والامقام گمنام دفاع مقدس بر دستان مردم مبعوث، خون تازه‌ای به رگ‌های ملت ما تزریق کرد. ما ملت شهادتیم و شهادت را از دامان مقدس حضرت زهرا (س) به ارث برده‌ایم؛ ما در سایه این ایمان الهی، از هیچ تهدیدی نمی‌هراسیم. دشمن زبون در توهم خویش، هر روز مشق تهدید می‌کند و بر طبل ارعاب می‌کوبد، غافل از آنکه ملت فاطمی و حسینی ما که پیوند خورده با فرهنگ شهادت است، از تهدید پوشالی جبهه کفر، هراسی به دل راه نمی‌دهد.

مراسم تشییع پیکرهای مطهر ۱۱۰ شهید گمنام روز جمعه ۲۲ آبان ۱۴۰۵، از ساعت هشت صبح در تهران آغاز شد. این مراسم از مقابل در اصلی دانشگاه تهران آغاز شد و اقشار مختلف مردم، خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران و جمعی از مسئولان در آن حضور داشتند. روز گذشته همزمان با شهادت صدیقه طاهره (س) پیکرهای مطهر ۱۱۰ شهید گمنام در عملیات‌های بیت‌المقدس و الفجر مقدماتی و همینطور کربلای ۵ در آغوش مردم به سمت معراج شهدای تهران حرکت کرد.

حضور مردم با پرچم‌های خونخواهی در مراسم تشییع پیکر شهدای گمنام، بسیار قابل توجه بود. مردم مبعوث ما بیش از ۲۵۰ شب است که میدان دار هستند و خیابان‌ها و میادین شهرها را در حمایت از رزمندگان شان و بیعت با نایب امام زمان شان، تسخیر کرده اند. مردم ما خونخواه امام شهیدشان هستند و علم خونخواهی را همواره برافراشته نگاه می‌دارند. در مراسم وداع با ابدان مطهر ۳۵۰ ستاره گمنام این خاک مقدس نیز، پرچم‌های سرخ خونخواهی ملت مبعوث ایران، بسیار نمایان و تابناک بود. حضور پرشور مردم در آیین استقبال از پیکرهای مطهر شهدای گمنام، جلوه‌ای دیگر از پیوند ناگسستنی ملت با آرمان‌های شهدا بود و پرچم‌های سرخ خونخواهی در دستان مردم، زبان گویای این بیعت محسوب می‌شد. مسعود پزشکیان، رئیس جمهور نیز در مراسم تشییع باشکوه و پرشور پیکر پاک ۱۱۰ شهید گمنام دوران دفاع مقدس در تهران حضور یافت.

دشمن از شکست‌هایی که خورده باید درس بگیرد

سرلشکر احمد وحیدی، فرمانده کل سپاه صبح روز جمعه همزمان با شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) در اجتماع گسترده و پرشور مردم مومن، انقلابی و قدرشناس تهران حضور یافت و همراه با مردم، پیکر پاک و نورانی ۱۱۰ شهید گمنام دفاع مقدس را تشییع و به مقام شامخ شهدا ادای احترام کرد. وحیدی در این مراسم با بیان اینکه کمترین تجاوز، با ضربات هولناک و دردناک پاسخ داده خواهد شد، گفت: دشمن از شکست های پی درپی که خورده باید درس بگیرد و گرنه درس‌های بزرگ‌تری در راه است.

پاسخ به هر تهدید، فوری و بدون محدودیت جغرافیایی است

سردار ایزدی، جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در آیین تشییع پیکر ۱۱۰ شهید گمنام در تهران اظهار کرد: انقلاب اسلامی، انقلاب ارزش‌ها است و برای تعالی انسان‌ها و فراهم کردن زندگی سرشار از معنویت و سلامت برای بشریت شکل گرفته است. این انقلاب با نفس روحانی امام امت جان گرفت و شهدا پیشتازان مسیر آن هستند. وی افزود: شهیدان در این مسیر به دنبال فوز عظیم هستند که نماد آن در پیروزی بر خصم و طی طریق شهادت تجلی پیدا می‌کند. افتخار رزمندگان و شهدای گمنام ما این است که رهپوی راه حضرت صدیقه طاهره (س) هستند.

جانشین فرمانده کل سپاه با بیان اینکه حرکت انقلاب اسلامی دشمن را مستاصل کرده است، تصریح کرد: در جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه، این دشمن بود که راسا وارد صحنه شد؛ چراکه مشاهده کرد عوامل و نوکرانش دیگر نمی‌توانند صحنه‌گردان مقابله با انقلاب اسلامی باشند و به همین دلیل خود در برابر انقلاب قد علم کرد. ایزدی با اشاره به نقش فرماندهان و شهدای نیروهای مسلح در دفاع از کشور گفت: سرداران شهید سلامی، رشید، باقری، شادمانی، پرافتخار و حاجی‌زاده و دیگر فرماندهان و رزمندگان چه کردند؟ این عزیزان دژی پولادین و پیروزمند برای ملت ایران برپا ساختند.

توان موشکی ایران با اتکال به خداوند در برابر دشمن ایستاده است

وی با اشاره به توانمندی موشکی نیروهای مسلح کشور اظهار کرد: فرماندهان موشکی ما که در خط مقدم هستند، می گویند موشکی با سر جنگی دو تنی را به مسافت حدود هزار و ۵۰۰ کیلومتر روانه می‌کنیم و برای دستیابی به این توانمندی تلاش کرده‌ایم؛ اما اعتقاد ما این است که «وَما رَمَیتَ إِذ رَمَیت»؛ این خداوند است که دشمن را درهم می‌شکند و ما اصابت موشک به نقطه هدف را نیز حرکتی به اذن‌الله می‌دانیم. جانشین فرمانده کل سپاه با اشاره به وضعیت دشمن در منطقه گفت: امروز بزرگ‌ترین قدرت نظامی دنیا با چالش‌هایی مواجه شده و صدای رزمندگان و نیروهای حاضر در ناوهای هواپیما بر آن از کاهش روحیه بلند شده است؛ به گونه‌ای که جرات نزدیک شدن به مرزهای آبی ایران اسلامی را ندارند و صدها کیلومتر فاصله می‌گیرند.

ایزدی ادامه داد: پایگاه‌های دشمن در منطقه آماج حملات رزمندگان اسلام قرار گرفته‌اند و می‌بینیم که دشمن هم در دریا و هم در خشکی از حرکت الهی رزمندگان اسلام درهراس است. آنها اذعان می‌کنند که سرمایه موشکی‌شان به‌شدت کاهش پیدا کرده و شرایط کنونی، زلزله‌ای ژئوپلیتیکی برای آنها به وجود آورده است. وی با اشاره به حضور گسترده مردم در آیین تشییع شهدای گمنام اظهار کرد: پیام این تشییع این است که ملت ما پس از ۴۶ سال همچنان به استقبال شهدا می‌آیند. این شهدا چه کردند؟ آنها در برابر کسانی که به کشورمان تجاوز کرده بودند، برخوردی پیروزمندانه داشتند و پیروزی را برای ملت ما به ارمغان آوردند.

جانشین فرمانده کل سپاه تاکید کرد: ملت ما، ملت شهادت است و در برابر هرگونه تجاوزی تا آخر می‌ایستد. مردم ما در میدان نشان دادند که ایستاده‌اند؛ زنان ما نیز در میدان حضور پیدا کردند و نشان دادند که تا آخر پای کار کشور هستند. ایزدی خاطرنشان کرد: بدون تردید، نظامی که متکی به مردم باشد و مردمی که در صحنه حضور داشته باشند و نخواهند کشورشان نابود شود، سرمایه‌های‌شان از بین برود و حاصل زحمات شهدا از دست برود، پیروز خواهند بود. وی در پایان گفت: دشمن بداند که مردم ما ایستاده‌اند و بیش از این نیز ایستادگی خواهند کرد.

پیوند مردم و شهیدان توطئه‌های دشمنان را نقش بر آب می‌کند

سردار سرلشکر علی عبداللهی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا (ص) در پیامی از حضور حماسی مردم در تشییع ۳۵۰ شهید گمنام دفاع مقدس قدردانی کرد. در این پیام آمده است که حضور باشکوه، حماسی و بی‌نظیر شما امت حزب‌الله در آیین تشییع پیکرهای مطهر ۳۵۰ شهید والامقام گمنام دفاع مقدس، ندایی دیگر از امت مبعوث شده و پایداری بود که در هشت سال دفاع مقدس حماسه آفرید و امروز نیز با نقش‌آفرینی و مشارکت در بدرقه فرزندان غیور خود، وفاداری خویش به شهیدان را اثبات کرد. این حضور معنادار و ارزشمند، نه تنها پاسداشت مقام و منزلت رفیع این دلیرمردان فداکار، بلکه تجلی دوباره میثاق ملت بصیر و شجاع با آرمان‌های بلند حضرت امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای شهید (قدس سره) است که این ملت را برای مقاومت، ایثار و شهادت‌طلبی پرورش دادند.

در ادامه پیام سرلشکر عبداللهی آمده که این شهیدان عزیز بی‌نام و نشان در حقیقت اسطوره‌های جاودان و نام‌آوران سپهر، جلوه‌های عینی عشق و اخلاص به وطن و ولایت بودند، سال‌ها در خاک غربت آرمیدند و در ایام نیاز به وحدت، انسجام ملی و اقتدار ایران اسلامی به یاری‌مان شتافتند و معابر و میادین شهرها را با عطر خوش بهشتی‌شان معطر نمودند. اینجانب ضمن تعظیم به مقام شامخ شهدای والامقام و ادای احترام به یکایک خانواده‌های معظم شهدا و ملت بزرگوار، از حضور حماسی، معنوی و وحدت‌آفرین شما مردم قدرشناس و بصیر و از همه دست اندرکاران برگزاری باشکوه آیین‌های وداع و تشییع، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در پیام خود تاکید کرد: بی شک همین پیوند ناگسستنی ملت و شهیدان، همان جریان روشن هدایت الهی است که با استعانت از الطاف خداوندی و تحت عنایات حضرت بقیه‌الله الاعظم (ارواحنا فداه)، تدابیر و هدایت‌های حکیمانه امامین انقلاب اسلامی (ره) و رهبر خردمند و دوراندیش حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای (مدظله العالی)، توطئه‌های دشمنان را نقش بر آب می‌کند و انقلاب اسلامی را به آرمان‌های والای خود نزدیک‌تر می‌سازد. راه شهدا، راه ملت است و این مسیر درخشان به حول و قوه الهی ادامه دارد.

آنچه مسلم است، آن است که هر شهیدی که بر دستان این مردم تشییع می‌شود، خشت محکمی است بر سنگر استوار مقاومت و ما به پشتوانه این خون‌های مطهر، استوارتر از همیشه ایستاده‌ایم تا پرچم این نهضت الهی را به دست صاحب اصلی‌اش حضرت بقیه‌الله الاعظم (ارواحنافداه) برسانیم.

پاسخ سریع سپاه به تجاوز آمریکا در سیریک

چشم شیطان در بحرین کور شد

پنج شنبه شب، ارتش تروریستی آمریکا در ادامه جنایات و تجاوزات خود، دکل مخابراتی ایران در سیریک هرمزگان را هدف قرارداد. در پاسخ به این گستاخی و تعدی، رزمندگان ایران اسلامی، رادارهشدار اولیه تروریست‌های آمریکایی در جزیره بحرین را منهدم کردند.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، صبح روز جمعه در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: رادار هشدار اولیه ارتش متجاوز آمریکا در جزیره بحرین هدف قرار گرفته و منهدم شده است.

در اطلاعیه سپاه آمده بود که مردم قهرمان و عظیم‌الشان ایران اسلامی، حماسه تاریخی ایستادگی هشت ماهه شما در مقابل ظلم و استکبار جهانی ملت‌ها را بیدار کرد و جوانان کشورهای متعدد را به میدان آورده است. فرزندان غیرتمند شما در میدان رزم نیز با توکل به خدای متعال و دلگرم به این پشتوانه بی‌پایان مردمی کماکان افتخارمی‌آفرینند.

در ادامه این اطلاعیه درج شده بود که رزمندگان هوافضای سپاه ساعتی پیش در پاسخ به تجاوز هوایی دشمن به یک دکل مخابراتی در سیریک، رادار هشدار اولیه متجاوزان آمریکا در جزیره بحرین را هدف قرارداده و منهدم کردند. این یک اخطار جدی به دشمن متجاوز برای پایان دادن به شیطنت‌های هوایی و قاچاق نفت در تنگه هرمز است؛ در صورت تکرار تخلفات و تجاوزها نیروی هوافضای سپاه برای مقابله بدون مرز در آماده‌باش کامل قرار دارد. شرکت‌های متخلفی که فریب دشمن متجاوز را بخورند با تنبیهات جدی‌تری مواجه خواهند شد.

مقابله بدون مرز

هدف قرارگرفتن رادار هشدار اولیه آمریکا در پاسخ به تجاوز به یک تاسیسات مخابراتی ایران، در کنار هشدار صریح سپاه درباره آمادگی برای مقابله بدون مرز، ابعاد و دامنه پاسخ ایران به تداوم تجاوزها را مورد توجه قرار داده است. کارشناسان نظامی معتقدند این عملیات در پی دیدار فرماندهان ارشد نیروهای مسلح با رهبر انقلاب و ابلاغ تدابیر و راهبردهای جدید دفاعی و نظامی انجام شد. در این چارچوب، پاسخ به تجاوز در سیریک با هدف قراردادن رادار آمریکا در بحرین و اعلام آمادگی برای «مقابله بدون مرز» را می‌توان نشانه‌ای از آمادگی نیروهای مسلح برای اجرای این راهبردها ارزیابی کرد؛ رویکردی که در آن، دفاع از امنیت و منافع ملی با پاسخ‌های تهاجمی به مراکز نظامی دشمن همراه می‌شود.

در روزها و هفته‌های گذشته، اقدامات متجاوزانه آمریکایی‌ها با پاسخ همسطح رزمندگان نیروی دریایی و هوافضای سپاه مواجه می‌شد، اما عملیات اخیر در بحرین هشداری جدی به آمریکایی‌ها محسوب می‌شود. پس از تجاوز پنج‌شنبه شب تروریست‌های آمریکایی به دکل مخابراتی سیریک، هوافضای سپاه بلافاصله یکی از مراکز مهم دیده‌بانی و سایت‌های جاسوسی آمریکا را در جزیره بحرین هدف قرار داد. در این عملیات، این مقر مهم جاسوسی آمریکا در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز به طور کامل منهدم شد و از بین رفت.

بر اساس این اتفاق، می‌توان نتیجه گرفت که موضوع منطقه‌ای بودن اقدامات جمهوری اسلامی ایران که پیش از این نیز به اثبات رسیده بود، در حوزه‌های فراتر از منطقه نیز دنبال خواهد شد. با اقدام اخیر سپاه در بحرین، رویکرد جدید تهاجمی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران برای دفاع همه‌جانبه از امنیت و منافع ملی آغاز شده است. به نظر می‌رسد نخستین مخاطبان هشدار اخیر سپاه، کشورهای اروپایی هستند که در حال حاضر میزبان تعداد قابل توجهی از هواپیماهای نظامی و سوخت‌رسان آمریکا هستند.



تعرض به زیرساخت‌های ایران، بی‌پاسخ نمی‌ماند

اهمیت عملیات سپاه در بحرین، فراتر از خسارت وارد شده به یک سامانه نظامی و جاسوسی ارزیابی می‌شود. پیام اصلی آن است که تعرض به زیرساخت‌های ایران، بی‌پاسخ نخواهد ماند و دامنه پاسخ را نمی‌توان صرفا به محل وقوع و سطح حمله محدود دانست.

رادار هشدار اولیه ارتش تروریستی آمریکا در بحرین، وظیفه تشخیص پرتاب و مسیر موشک یا هواگرد در فاصله دور، پیش از ورود به حریم ناوگان پنجم نیروی دریایی ارتش تروریستی آمریکا را برعهده داشت. با منهدم شدن این رادار، شبکه پدافندی تروریست‌های آمریکایی در بحرین کور می‌شود و سامانه‌های رهگیر بدون هدف‌گیری دقیق می‌مانند. چندی پیش نیز جزیره عمانی دیدامار در بخش جنوبی تنگه هرمز هدف حمله ایران قرار گرفت. در این جزیره، زیرساخت‌های راداری و ارتباطات رادیویی ارتش تروریستی آمریکا مستقر بود و آمریکایی‌ها به‌واسطه این تجهیزات، مشغول قاچاق نفت از کریدور جنوبی تنگه هرمز بودند. به گفته سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در حمله به دیدامار سامانه‌هایی که برای تسهیل عبور کشتی‌های متخلف از تنگه هرمز مورد استفاده قرار می‌گرفتند، منهدم شدند.

با حکم رئیس دفتر حفظ و نشر اندیشه و آثار امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای

ستاد «سالگرد عروج خونین امام مجاهد شهید» تشکیل شد

با حکم رئیس دفتر حفظ و نشر اندیشه و آثار امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، ستاد «سالگرد عروج خونین امام مجاهد شهید» تشکیل و اعضای آن منصوب شدند.

از جمله اعضای منصوب این ستاد می‌توان به محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور، حجت‌الاسلام والمسلمین مروی تولیت آستان قدس رضوی، حجت‌الاسلام والمسلمین طائب رئیس سازمان بسیج مستضعفین، غلامعلی حدادعادل مشاور رهبر انقلاب، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج‌علی‌اکبری رئیس شورای سیاستگذاری ائمه جمعه کشور و علیرضا زاکانی شهردار تهران اشاره کرد. این ستاد، برنامه‌های سالگرد شهادت رهبر انقلاب اسلامی را در ایام ۹ اسفند در ابعاد ملی و بین‌المللی پیگیری خواهد کرد.

در این حکم، تبیین اندیشه و عمل امام مجاهد شهید، ترسیم ابعاد شخصیت ایشان و ارتقای آگاهی از «مکتب امام مجاهد شهید» با هدف امتدادبخشی به راه و پیام آن رهبر الهی، از ماموریت‌های ستاد عنوان شده است. همچنین بر تقویت بعثت یافتگی ملت و امت و تعمیق انسجام ملی و اسلامی تاکید شده است. توجه به گستره و تنوع مخاطبان بین‌المللی، اهتمام به فعالیت‌های مردمی و طراحی و اجرای برنامه‌های فرهنگی، هنری، سیاسی و اجتماعی، از دیگر محورهای این حکم است. پرهیز جدی از کارهای تشریفاتی و هزینه‌های بیجا نیز مورد تاکید قرار گرفته است.

متن کامل حکم انتصاب اعضای ستاد سالگرد شهادت رهبر شهید انقلاب به شرح زیر است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُم بِهِ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ. توبه ۱۱۱ و ۱۱۲

سلام و صلوات خدا بر معلم بزرگ رستاخیز تاریخی امت و همراهان شهیدش برای ارج‌گزاری شخصیت والای یگانه دوران، خورشید تابناک انقلاب اسلامی، تبلور جامعیت اسلام عزیز، سیدالشهدای امت اسلام در دوره غیبت، معمار تمدن نوین اسلامی، برترین درس‌آموخته مکتب امام خمینی راحل عظیم‌الشان، قائد عظیم‌الشان، امام مجاهد شهید حضرت آیه‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای و تعظیم حادثه شکوهمند جانبازی و عروج خونین آن حضرت به مثابه بیدارکننده ملت‌ها و شتاب‌بخش خذلان و زوال پلیدترین دشمنان خدا و بشریت و نیل ملت و امت به قله‌های سعادت در اولین دهه «گام دوم انقلاب اسلامی» و یادکرد حماسه بعثت عظیم ملت و امت اسلام و مستضعفان جهان در دفاع از انقلاب و ایران اسلامی؛ ستاد «سالگرد عروج خونین امام مجاهد شهید» تشکیل و جنابعالی به عضویت آن منصوب می‌شوید.

ستاد موظف است ذیل نگاه و فرمان خلف صالح آن حضرت، مقتدای امت اسلام، نایب الامام عجل‌الله تعالی فرجه الشریف، حضرت آیه‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای مدظله‌العالی با تبیین اندیشه و عمل «آقای شهید ایران» و ترسیم ابعاد شخصیت نورانی او به هدف امتدادبخشی به راه و پیام آن رهبر الهی، به ارتقای آگاهی‌ها از «مکتب امام مجاهد شهید» اهتمام ورزد تا با تقویت بعثت یافتگی ملت و امت و تعمیق انسجام ملی و اسلامی، خودسازی در عرصه‌های دین، خرد، دانش و عزم و جامعه‌پردازی به عنوان مقدمه تمدن نوین اسلامی تسهیل و تسریع گردد.

ستاد باید به گستره وسیع مخاطب بین‌المللی- از مسلمانان شرق آسیا تا جوانان اروپا و آمریکای شمالی و دانشجویان حامی فلسطین در دانشگاه‌های آمریکا که مخاطب نامه‌های سه‌گانه امام مجاهد شهید بودند- توجه کرده و در عین التفات و اهتمام به فعالیت‌های مردمی، برنامه‌های دقیقی در همه ابعاد فرهنگی، هنری، سیاسی و اجتماعی با توجه به تنوع مخاطب طراحی و در زمان مقرر اجرا نماید. انتظار می‌رود «ستاد» به توصیه‌های موکد امام مجاهد شهید برای پرهیز از کارهای تشریفاتی و هزینه‌های بیجا جدا قیام کند.

امید است همه کوشش‌ها برای یادکرد آن رجل الهی عظیم‌القدر مورد رضایت و لطف مولایمان حضرت صاحب‌العصر و الزمان عجل‌الله له‌الفرج قرار گیرد.

ارادتمند؛ سیدمحسن خامنه‌ای
رئیس دفتر حفظ و نشر اندیشه و آثار امام مجاهد شهید حضرت آیه‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای

عراقچی در یادداشت اخیر خود تاکید کرد

منشور ملل متحد زیر آتش

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در یادداشتی برای خبرگزاری کیودو ژاپن، نوشت: اگر دولت‌ها آزاد باشند، بر اساس ارزیابی خود از تهدیدهای احتمالی آینده به یکدیگر حمله کنند، چه چیزی از نظم حقوقی بین‌المللی باقی خواهد ماند؟ این پرسش بسیار فراتر از اختلاف سیاسی میان ایران و ایالات متحده است و به یکی از اصول بنیادین نظم بین‌المللی شکل گرفته پس از جنگ جهانی دوم مربوط می‌شود: توسل به زور تابع قانون است و هیچ دولتی، هر اندازه قدرتمند، حق ندارد قضاوت خود را بر قواعد الزام‌آور حقوق بین‌الملل مقدم بدارد.

عراقچی در این یادداشت تصریح کرد: حملات نظامی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی علیه ایران، نقض آشکار ممنوعیت توسل به زور و تعرض به حاکمیت ایران محسوب می‌شوند. مشروعیت این حملات باید بر اساس منشور ملل متحد و اصول تثبیت‌شده حقوق بین‌الملل ارزیابی شود، نه بر مبنای استدلال‌ها و توجیهات سیاسی که پس از آغاز عملیات نظامی مطرح می‌شوند. ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد، تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور را ممنوع کرده است. وی تاکید کرد: این ممنوعیت صرفا یک تعهد معاهده‌ای نیست، بلکه قاعده‌ای بنیادین در حقوق بین‌الملل عرفی نیز به شمار می‌رود؛ چنانکه دیوان بین‌المللی دادگستری در رای سال ۱۹۸۶ خود در قضیه نیکاراگوئه بر آن تاکید کرده است. حقوق بین‌الملل تنها در شرایطی محدود و مشخص از جمله اعمال حق دفاع مشروع بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد، توسل به زور را مجاز می‌داند. حمله نظامی ایالات متحده به ایران نه مجوزی از سوی شورای امنیت داشته است و نه ادعاهای مربوط به تهدیدهای احتمالی آینده، به‌خودی‌خود، مبنای حقوقی کافی برای استناد به حق دفاع مشروع فراهم می‌کنند.

وزیر امور خارجه کشورمان در ادامه یادداشت خود، تاکید کرد که ماده ۵۱ منشور، در صورت وقوع حمله مسلحانه، حق دفاع مشروع را به رسمیت می شناسد. تلقی یک تهدید احتمالی در آینده به عنوان مبنایی برای اقدام نظامی، به معنای پذیرش جنگ پیشگیرانه بر اساس تشخیص یک جانبه دولت‌ها خواهد بود. چنین تفسیری ممنوعیت توسل به زور را به‌شدت تضعیف می‌کند و حتی ممکن است آن را از هرگونه معنای عملی تهی سازد. مشروعیت حمله ایالات متحده همچنین در محافل حقوقی این کشور مورد تردید قرار گرفته است. وی تصریح کرد: حملات به مدارس، ورزشگاه‌ها، زیرساخت‌های غیرنظامی و تاسیسات هسته‌ای ایران که تحت پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) قرار دارند، پرسش‌های حقوقی دیگری را نیز مطرح می‌کنند. این حملات، افزون بر ممنوعیت توسل به زور، باید از منظر قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز بررسی شوند. طرف‌های درگیر در یک مخاصمه مسلحانه موظفند میان اهداف نظامی و غیرنظامیان تمایز قائل شوند، از انجام حملات نامتناسب خودداری کنند و تمامی اقدامات احتیاطی ممکن را برای به حداقل رساندن آسیب به غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی به عمل آورند.



حمید سبحانی‌صدر، نویسنده:

برخی روایت‌های شهادت حضرت زهرا(س) ازواقعیت تاریخی فاصله دارند

چرا سفره ایرانی فرهنگ و هویت خود را گم کرد؟

شبیخون به سفره

بوی زعفران دم‌کرده، پیازداغ عسلی و نعناداغ دیگر راهنمای کوچه‌های شهر نیست. سال‌هاست زنگ پایان روزمرگی شهری با صدای زنگ پیک موتوری و پاکت‌های مقوایی چرب به صدا درمی‌آید. ما بی‌آنکه اعلام جنگی در کارباشد، تاریخ زیسته خود را کف دیس‌های یکبارمصرف فست‌فودها جا گذاشتیم. آشپزی برای نیاکان ما صرفا پر کردن شکم نبود؛ نوعی جهان‌بینی، درمانگری و جلوه‌ای تام از فرهنگ زیستی به شمار می‌رفت که اقلیم، طب سنتی و مناسک اجتماعی را به هم پیوند می‌زد. اکنون قابلمه‌های مسی و سفالی جای خود را به سرخ‌کن‌ها داده‌اند و طعم‌های تاریخی ما در هجوم سس‌های کارخانه‌ای و پنیرهای پیتزا مسخ شده‌اند. فراموشی یک غذا فقط فراموشی یک دستورپخت نیست؛ خط خوردن بخشی از حافظه جمعی ملتی است که روزگاری ظریف‌ترین آداب هم‌سفرگی را پدید آورد و امروز درگیر یکسان‌سازی ذائقه جهانی شده است. آیا راهی برای بازگشت به این ریشه غنی باقی مانده است؟

آدمی پیش از آنکه بنویسد، چشیده است. زبان ما پیش از سخن گفتن با واژه‌ها، با طعم‌ها سخن گفت. حافظه چشایی شگفت‌انگیزترین مخزن خاطرات بشر است؛ بوی یک سبزی کوهی تازه، عطرآویشن پیچیده در دشت یا بخار متصاعد از دیگ سنگی می‌تواند آدمی را ده‌ها سال درزمان به عقب براند و وسط حیاط خانه مادربزرگ بنشاند. با این حال، آنچه امروز در حال رخ دادن است، نوعی زوال حافظه جمعی در حوزه خوراک به حساب می‌آید. خیابان‌های شهرهای ما امروز شبیه هم شده‌اند؛ تابلوهای پرنور با عکس همبرگرهای چندطبقه، پیتزاهای پرازپنیر صنعتی و مرغ‌های سوخاری غوطه‌ور در روغن‌های ترانس بالا. این تابلوها فقط منظره بصری شهر را فتح نکرده‌اند، بلکه ذائقه نسل نو را مستعمره خود ساخته‌اند.

بچه‌های امروز تفاوت میان ترخینه و شله قلمکار را نمی‌دانند. آنها نام «کال جوش»، «اشکنه»، «تاس کباب» و «قلیه» را شاید تنها در برخی مستندها شنیده باشند. غذای بومی نیاکان ما حاصل قرن‌ها تعامل هوشمندانه با خاک و آب و هوا بود؛ غذایی که یاد می‌داد چگونه در خشکی کویر، خنکی کاسه آب دوغ خیار جان را تازه کند یا در رطوبت گیلان، سیرو بادمجان و انارتن را در برابر باد و بیماری مقاوم سازد. ما بدون هیچ مقاومتی این میراث چند هزار ساله را تحویل دستگاه‌های تولید غذای سریع دادیم تا در کمتر از ۱۰ دقیقه، کالری تهی تحویل بگیریم و شتاب‌زده ببلعیم.

از مطبخ صفوی تا خاکستر مدرنیته

فرهنگ غذایی ایران پدیده‌ای خلق‌الساعه نبود. کافی است نگاهی به رساله‌های دوران صفویه بیندازیم؛ آثاری چون «ماده‌الحیاه» نوشته نورالله، آشپز نامدار شاه عباس اول، یا «کارنامه» تالیف حاجی محمدعلی باورچی بغدادی. مطالعه این رساله‌ها شگفتی هرپژوهشگری را برمی‌انگیزد. در آن دوران، آشپز یک معمار بود؛ معماری که طبع خوراک، خواص گیاهان، مصلحات غذایی و زیبایی بصری بشقاب را می‌شناخت. واژگان به کاررفته در آن متون مانند زعفران‌سایی، گلاب‌پاشی و شیوه‌های دم‌کردن برنج، نشان از دانشی دیرپا و هنری کمال‌یافته دارد.

قرن‌ها بعد، این سنت مکتوب در کتاب بی‌بدیل «مستطاب آشپزی؛ از سیر تا پیاز» نجف دریابندری و فهیمه راستکار به اوج خود رسید. دریابندری آشپزی را نه یک فن خانه‌داری، بلکه بخشی جدی از فرهنگ‌شناسی و انسان‌شناسی معرفی کرد. او به زیبایی نشان داد که سفره ایرانی چگونه با متانت، صبر و ترکیب هوشمندانه ادویه‌ها هویت پیدا می‌کند. چند دهه پیش از او نیز رزا منتظمی با کتاب «هنرآشپزی» خود، چراغ خانه ایرانی را روشن نگه داشته بود؛ کتابی قطور که هدیه ثابت جهاز دختران ایرانی به شمار می‌رفت و مرجع آرامش خانواده‌ها در آشپزخانه بود.

اما اکنون چه بر سر آن میراث مکتوب آمده است؟ کتاب‌های قطور آشپزی ما زیر خروارها خاک در قفسه‌ها خاک می‌خورند. ویدیوهای چند ثانیه‌ای شبکه‌های اجتماعی با ترفندهای فوری، پنیرهای فراوان و فست‌فودهای بی‌اصل و نسب جای آموزه‌های اصیل دریابندری و منتظمی را گرفته‌اند. ما حوصله پای دیگ ایستادن را از دست داده‌ایم؛ حوصله تفت دادن ملایم سبزی قورمه تا رسیدن به رنگ سیاه دلخواه، حوصله جا افتادن فسنجان با شعله ملایم و روغن انداختن گردو. فست‌فود نه فقط غذای ما، بلکه روان ما را هم دستخوش بی‌قراری و شتاب‌زدگی کرد.

وقتی سفره محراب می‌شد

در جهان‌بینی ایرانی، سفره تنها یک تکه پارچه گسترده روی زمین یا سطحی از چوب برای چیدن ظروف نبود؛ سفره مرتبه‌ای قدسی داشت و نماد پیوند آسمان و زمین قلمداد می‌شد. در باورعامه و فرهنگ ریشه‌دار این سرزمین، سفره جایگاه ریزش رحمت و مظهر عینی مفهوم برکت بود. واژه برکت بار معنوی شگرفی داشت؛ یعنی فزونی خیر، سلامتی در لقمه و روشنایی در زندگی، حتی اگر مقدار طعام اندک باشد.

آداب سفره شباهت غریبی به مناسک عبادی داشت. کسی با کفش یا بی‌احترامی به حریم آن نزدیک نمی‌شد. پا دراز کردن کنار سفره بی‌حرمتی در سنت خانوادگی بود و اگر تکه نانی روی زمین می‌افتاد، آن را با احترام برمی‌داشتند، می‌بوسیدند و روی چشم می‌گذاشتند؛ چرا که نان حرمت داشت. سفره محل صلح بود؛ دشمنی‌ها با نشستن پای یک سفره و نمک‌گیر شدن رنگ می‌باخت. پیمان‌ها روی همین پارچه‌های قلمکار و دست‌باف بسته می‌شد و اولین قاشق با نام حق و آخرین لقمه با شکرگزاری برزبان می‌آمد.

این نگاه قدسی، مصرف را از یک کنش صرفا غریزی به یک تجربه روحی و جمعی ارتقا می‌داد. در فرهنگ فست‌فودی اما چیزی به نام برکت معنای ویژه‌ای ندارد. غذا درون جعبه‌های مقوایی، حین حرکت یا پشت فرمان بلعیده می‌شود؛ بدون سرآغاز، بدون هم‌نشینی و بدون هیچ شکرگزاری قلبی. وقتی حرمت سفره فروریخت، جمع شدن خانواده‌ها کنارهم نیز فروپاشید و آن برکت دیرین جایش را به سیری شکم بدون روشنی جان داد.

بیرقی فراتر از بشقاب

غذا در نگاه بسیاری صرفا سوخت زیستی تلقی می‌شود، اما واقعیت فراتر از این نگاه تقلیل گرایانه است. خوراک در همه تمدن‌ها بیرق هویت ملی و فرهنگی به شمار می‌رود. برای درک بهتر این موضوع می‌توان به نمونه بارز «مقلوبه» در فلسطین اشاره کرد. مقلوبه تنها یک غذای لذیذ شرقی متشکل از برنج، بادمجان و گوشت نیست؛ این ظرف غذا در طول دهه‌ها اشغال و بحران، به نمادی زنده از مقاومت ملی و پایداری سرزمینی تبدیل شد.

تصویر برگرداندن دیگ بزرگ مقلوبه در صحن مسجدالاقصی یا در دل کوچه‌های قدس، پیامی روشن به همراه دارد؛ این خاک، این فرهنگ و این بوی غذا متعلق به همین مردم است و قابل حذف شدن نیست. برگرداندن مقلوبه اعلام موجودیت است؛ یعنی ریشه‌های ما در این سفره تنیده شده و هرقاشق از آن، اتصال با تاریخ اجدادی است. همین ماجرا برای بسیاری از ملت‌ها صادق است؛ ایتالیایی‌ها از پاستا و پیتزای اصیل خود همچون یک اثر تاریخی حراست می‌کنند و فرانسوی‌ها با ثبت فرهنگ سفره خود در یونسکو، جلوی یکدست‌سازی جهانی ایستادند.

غذا مرز هویتی یک ملت است. وقتی دشمنان یک سرزمین بخواهند تاریخ آن را مصادره کنند، از نام غذاها و شیرینی‌ها آغاز می‌کنند. ما در برابر این تاراج نرم فرهنگی چه کردیم؟ آیا توانستیم ارزش شله‌زرد، دیزی، مرصع پلو یا قلیه ماهی را به جهان و حتی به نسل آینده خود بشناسانیم؟ متاسفانه پاسخ امیدوارکننده نیست. ما خودمان داوطلبانه سفره‌مان را خالی کردیم تا جا برای خوراک‌های بی‌هویت باز شود.

گم شدن حکمت در قابلمه‌های صنعتی

آنچه در آشپزی اصیل ایرانی بیش از هر چیز چشم‌نوازی می‌کند، پیوند تنگاتنگ آن با طب سنتی و سلامت تن و جان است. در سفره سنتی هیچ چیزی تصادفی نیست. اگر ماهی سرد است، با خرما و گردو و سیر سرو می‌شود. اگر باقلا طبع سرد دارد، حتما گلپر و پونه کنار دست آن قرار می‌گیرد. اگر گوشت گوسفند گرم است، همراه با سماق تازه و لیمو ترش تعادل پیدا می‌کند. این فرمول‌ها تصادفی کشف نشده‌اند؛ بلکه حاصل صدها سال آزمون و خطای عالمان و مادران این سرزمین برای حفظ سلامت فرزندان بوده‌اند.

درمقابل، دنیای فست‌فود دنیای قطع ارتباط با بدن است. ترکیب بمب‌گونه قندهای ساده، روغن‌های صنعتی تصفیه‌شده، نمک بسیارزیاد و نگه‌دارنده‌های شیمیایی هیچ نسبتی با تعادل ندارد. نتیجه این جایگزینی شوم، هجوم انواع بیماری‌های گوارشی، کبد چرب، چاقی مفرط در کودکان و بی‌حوصلگی مزمن در جامعه امروزی است. ما حکمت نهفته در کاسه سوپ جو و آش رشته را فروختیم تا کالری ویرانگر ساندویچ‌های آماده را بخریم. غذای اصیل وقت می‌خواست؛ هم برای پختن و هم برای خوردن. غذا دور هم چیده می‌شد و فرصتی برای صحبت، پیوند عاطفی و درک حضور دیگری بود. فست‌فود اما فردگرایی مطلق را ترویج می‌دهد؛ هرکس با هدفون درگوش، سردرگریبان گوشی همراه، ساندویچ خود را گاز می‌زند.

خطری به نام فراموشی نسل‌ها

فاجعه اصلی زمانی رخ می‌دهد که یک نسل پیوند خود را با طعم اصیل کاملا از دست بدهد. کودکی که ذائقه‌اش از همان سنین پایین با تشدیدکننده‌های طعم و سس‌های تند صنعتی ساخته شده باشد، دیگر نمی‌تواند از عطر ملایم گلاب در یک دسر سنتی لذت ببرد. برای او طعم ظریف زعفران یا ترشی لطیف ناآشنا و بی‌معنی جلوه می‌کند. به این ترتیب، زنجیره انتقال تجربیات آشپزی قطع خواهد شد. مادران و پدران امروز کمتر فرصت دارند شیوه پختن یک خورش سنتی جاافتاده را به فرزندانشان بیاموزند. آشپزی به عنوان یک مهارت زیستی مشترک در حال نابودی است. در بسیاری از خانه‌ها اجاق گاز تنها برای گرم کردن غذای آماده یا جوشاندن آب روشن می‌شود. این وضعیت زنگ خطری جدی برای هویت ملی به حساب می‌آید. فراموش نکنیم فرهنگ تنها در کتابخانه‌ها و موزه‌ها زنده نمی‌ماند؛ فرهنگ در جریان همین روزمرگی‌ها، در قابلمه‌های روی شعله و در گردهمایی خانواده پیرامون یک سفره مشترک نفس می‌کشد.



نقشه راه نجات سفره

حفظ این میراث تنها با حسرت خوردن و نگاه نوستالژیک ممکن نمی‌شود؛ بازپس‌گیری سفره نیازمند اقداماتی هوشمندانه و همه‌جانبه است:

۱. بازتعریف فست‌فود به سبک ایرانی؛ غذای سریع لزوما به معنی سوسیس و پنیر چرب نیست. نیاکان ما غذای سریع بومی هم داشتند؛ از نان و پنیر و گردو با سبزی خوردن گرفته تا انواع اشکنه، کال‌جوش، شامی و املت‌های محلی که در کمتر از ۲۰ دقیقه آماده می‌شدند اما کانون سلامت و ریزمغذی بودند. صنعت غذایی ما باید فست‌فود سالم بومی را تجاری‌سازی و بازطراحی کند تا جایگزین خوراک‌های صنعتی شود.

۲. انتقال مهارت به عنوان سبک زندگی؛ آموزش آشپزی اصیل باید از قید یک وظیفه سنتی رها شود و به یک مهارت جذاب، آرامش‌بخش و درمانگر برای نسل امروز تبدیل گردد. راه‌اندازی پویش‌های تولید محتوای جذاب با تکیه بر دستورهای «مستطاب آشپزی» و متون کهن صفوی در رسانه‌های نوین، می‌تواند جوانان را با زیبایی و هویت این هنر آشتی دهد.

۳. گردشگری خوراک و اقتصاد محلی؛ غذای ایرانی نباید در فهرست تکراری چند نوع کباب در رستوران‌ها خلاصه شود. ثبت ملی و بین‌المللی غذاهای اقوام، حمایت از رستوران‌های بومی‌محور و احیای خوراک‌های فراموش‌شده اقلیمی، هویت غذایی ما را به یک قدرت اقتصادی و فرهنگی ماندگار تبدیل خواهد کرد.

بازگشت به خانه، بازگشت به اصل

جهان مدرن تلاش دارد انسان را بی‌ریشه، بی‌مکان و تک‌ساحتی کند؛ انسانی که در همه نقاط دنیا یک مدل لباس بپوشد، یک مدل موسیقی گوش دهد و یک ساندویچ استاندارد جهانی را مصرف کند تا چرخه سودآوری شرکت‌های چندملیتی روان بچرخد. مقاومت در برابر این جریان یکنواخت‌ساز، فقط در ساحت سیاست یا فلسفه اتفاق نمی‌افتد؛ سنگر مقاومت گاهی دقیقا وسط آشپزخانه قرار دارد.

بازگشت به اصل، شعار توخالی نیست؛ یک ضرورت زیستی و روانی به شمار می‌رود. ما باید دیگ‌هایمان را دوباره آشتی دهیم. باید عطر شنبلیله و لیموامانی را به کوچه‌ها برگردانیم. یادگیری دوباره پختن غذاهای اصیل ایرانی برای جوان امروز نه یک کار سنتی خسته‌کننده، بلکه رفتاری آگاهانه برای بازپس‌گیری هویت است. کتاب‌های خاک‌گرفته مستطاب آشپزی و هنر آشپزی رزا منتظمی باید دوباره باز شوند و روی میز آشپزخانه‌ها قرار گیرند.

ما همان چیزی هستیم که می‌خوریم. اگر غذای بی‌هویت مصرف کنیم، حافظه‌مان بی‌رمق و تعلقاتمان کم‌رنگ می‌شود. غذای اصیل ایرانی حامل خاک، باران، رنج کشاورز و عشق مادری است که ساعت‌ها پای شعله ایستاده است. سفره ایرانی جلوه‌گاه مهمان‌نوازی، برکت و شکرگزاری به درگاه خداوند بود. نجات این سفره از هجوم فست‌فودها، نجات تمدن و روحی است که قرن‌ها زیر سقف خانه‌های این دیار در جریان بود. هنوز دیر نشده؛ بگذاریم خانه بار دیگر بوی زندگی بگیرد.

روایت‌هایی صوتی از فلسطین زخمی و رنجور

قصه‌هایی از انسان‌هایی که روی آینه زمان رد پا گذاشتند!

در جهان پرازهیاهوی امروز که روایت‌های مخدوش، تاریخ را به نفع ظالمان بازنویسی می‌کنند، پادکست «زیتون تلخ» متولد شد تا بهانه‌ای باشد برای یک یادآوری بزرگ: «مقاومت مظلوم است اما تسلیم‌پذیر نیست!» این فریاد، دعوت به بیداری، مقاومت و حفظ حافظه تاریخی است.

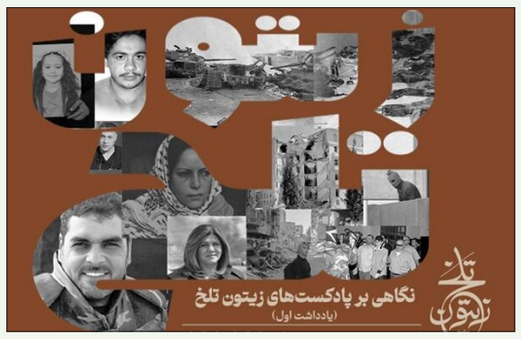
فصل اول «زیتون تلخ» در ۱۰ اپیزود، به سراغ ناگفته‌ها، زخم‌ها و روایت‌های انسانی رفت؛ از قصه تکان‌دهنده دختری به نام «دلال مغربی» که در برابر اشغال ایستاد، تا غرش غیرمنتظره و کامبک سنگین حزب‌الله در ماجرای «ما نکشتیم»؛ از اسارت و مقاومت فراپهلویی «سمیر قنطار» تا درخشش دوربین «فاطمه حسونه» که نخواست فقط یک خبر فوری باشد و شهادتی پرسروصدا خواست و از حماسه «فاتح بارلو» و فریب بزرگ نظامی تا روایت‌های عمیق دیگری که تاریخ مقاومت را از لایه فراموشی بیرون کشیدند.

بنیان و فلسفه شکل‌گیری این پادکست‌ها بر دو اصل استوار بوده است:

۱. فلسطین و مقاومت، کلی قصه دارد؛ قصه‌های جذاب و شنیده نشده از قهرمان‌های گمنام.

۲. مقاومت مظلوم است، اما تسلیم نیست.

این دو گزاره، فراتر از شعارهای مرسوم، ماهیت انسان‌شناختی مقاومت را به تصویر می‌کشند. تاریخ فلسطین، لبنان و منطقه تنها مجموعه‌ای از ارقام، تاریخ‌های وقوع جنگ یا اعلامیه‌های خشک سیاسی نیست؛ تاریخ «تپش قلب انسان‌ها» در کوچه‌پس‌کوچه‌های غزه، در ساحل نهاریا، در اتوبوس‌های تل‌آویو و در سنگرهای انصاریه است. هرکدام از این ۱۰ روایت، شهادت می‌دهند که پشت هر واقعه، یک انسان با تمام عواطف، آرزوها، دغدغه‌ها و رنج‌هایش ایستاده است. اما چرا این قصه‌ها اهمیت دارند؟ امروز بیش از هرزمان دیگری روشن شده است که روایت، قدرتمندترین ابزار برای درگیر کردن سینما، تلویزیون، موسیقی، ادبیات و سایر هنرها با موضوع حیاتی مقاومت است. هنر و رسانه، زبان مشترک جهانیان است. مخاطب امروزی ـ به‌ویژه نسل جوان و پویایی که تشنه حقیقت است ـ با بخش‌نامه‌ها و تحلیل‌های خشک متقاعد نمی‌شود؛ او باید با «قصه‌ها» زندگی کند. وقتی روایت دلال مغربی با شجاعت بی‌بدیلش، یا آرزوی فاطمه حسونه برای ثبت تصویری که تاریخ آن را فراموش نکند، در قالب درام و مستند روایت می‌شود، مقاومت از یک مفهوم دوردست



به تجربه‌ای زیسته و ملموس تبدیل می‌گردد.

روایت و قصه، پل میان جغرافیای محلی مقاومت و وجدان بیدار جهانی است. وقتی سینما و تلویزیون و موسیقی ما بیاموزد که به جای کلیشه‌سازی، به سراغ لایه‌های انسانی، قهرمان‌های گمنام، شکست‌ها و پیروزی‌های مبهوت‌کننده (مانند آنچه در انصاریه یا فاتح بارلو رخ داد) برود، آنگاه هنر، سلاحی برنده‌تر از ترکش و گلوله خواهد شد. پادکست «زیتون تلخ» تلاش کرد ثابت کند که مقاومت جریان زنده زندگی است؛ جریانی که در آن یک اسیر همچون سمیر قنطار به نماد همبستگی یک ملت تبدیل می‌شود، یا یک دختر بچه ۶ ساله؛ هند رجب با آخرین نفس‌هایش در غزه، جهان تاریک را وادار به تماشای حقیقت می‌کند.

این یادداشت، آغازی بود بر روایتی که ادامه‌دار خواهد بود؛ قرار است برای هر یک از اپیزودهای این پادکست، یادداشتی تحلیلی و مکتوب تقدیم نگاه شما همراهان عزیز شود.

ناگفته نماند که خلق این اثر و به ثمر نشستن پادکست «زیتون تلخ»، حاصل همت و زحمات شبانه‌روزی یک تیم حرفه‌ای و دغدغه‌مند است؛ به کارگردانی هنرمندانه امیر مهریزدان، گویندگی دلنشین و اثرگذار محمدرضا ابوالحسنی و تلاش تمامی عزیزانی که در گروه نویسندگان و تنظیم‌کنندگان صدا مایه گذاشتند تا این قصه‌ها جان بگیرند.

اغتشاشات ۱۴۰۱ در کتاب «جنگ تاثیر» تحلیل روایی شد

کتاب «جنگ تاثیر» به بررسی ساز و کارهای ارتباطی، روانی و اجتماعی متکی بر ساختارهای تولید محتوا در بسترهای پلتفرمی و زیرساخت‌های فرهنگی و ارزشی می‌پردازد که باعث تغییرات بنیادین در عواطف و احساسات در جامعه هدف می‌شود. «جنگ تاثیر» با هدف تاثیرگذاری بر کارگزاران، نخبگان و عموم مردم صورت می‌گیرد و این یک ادبیات جدید در حوزه علوم ارتباطات و عملیات روانی در ایران است. تغییر در برداشت‌ها و نگرش‌ها با کنارهم قرارگرفتن عملیات نظامی و امنیتی با حوزه‌های فرهنگی، برساخت روایت، جهت‌دهی به افکار عمومی و مداخلات شناختی و زیرساختی ماحصل آن اتفاقی است که در اغتشاشات ۱۴۰۱ و جنگ تحریمی ۱۲ روزه اتفاق افتاده است.

این سازوکارها در کنار یکدیگر، میدان جدیدی از فعالیت را پدید آورده‌اند که کنشگران دولتی و غیردولتی در آن می‌کوشند «تصویر» و «برداشت» صحیح را شکل دهند و مسیر فهم عمومی را هدایت کنند. تغییر در برداشت‌ها، می‌تواند پیامدهایی به مراتب عمیق‌تر از پیروزی یا شکست در یک نبرد نظامی یا خرابکاری امنیتی و کودتای سیاسی داشته باشد؛ زیرا انسجام اجتماعی، اعتماد عمومی و امنیت روانی جامعه دقیقا در همین سطوح شکل می‌گیرند.

در سال‌های اخیر، این الگو در منازعات منطقه‌ای و جهانی حضور پررنگ‌تری پیدا کرده است؛ حمله رژیم اسرائیل علیه ایران که بامداد ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ آغاز شد، نمونه‌ای است که نشان می‌دهد عملیات نظامی تنها یکی از سطوح منازعه است و لایه‌های اصلی در سطح روایت‌ها، چارچوب‌های رسانه‌ای، جهت‌دهی به افکار عمومی و مداخلات فرهنگی و شناختی شکل می‌گیرند. کتاب «جنگ تاثیر» در ۲۱۴ صفحه در آبان ۱۴۰۵ توسط سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به چاپ رسیده است. «جنگ تاثیر» تازه‌ترین کتاب فرشاد مهدی‌پور، با قیمت ۷۸۰ هزار تومان است که می‌توانید آن را با تخفیف به قیمت ۶۶۳ هزار تومان از این سایت تهیه کنید: https://poiict.ir/product/k-۱۴۲۵۶

مویه حضرت علی(ع) بر پیکر زهرا(س) در نقاشی علی بحرینی

علی بحرینی هنرمند نقاش باسابقه و آئینی، در سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا(س)، دو اثر جدید ترسیم و منتشر کرد.

نقاشی اول، لحظه شهادت حضرت فاطمه(س) و نقاشی دوم، زمان تشییع پیکر حضرت زهرا(س) توسط حضرت علی(ع) است.

این هنرمند درباره این اثر، دلنوشته‌ای سوزناک از زبان حضرت علی(ع) نوشته است که بخشی از آن عبارت است از: «مهربان من فاطمه جان! این منم که بر تنهایی خود در این شب‌های تاریک روزگار مویه می‌کنم.

منم علی

فاطمه‌ام! غروب تو غروب تمام دلخوشی‌هایم بود!

من به زیر چتر مهربانی‌های تو جان می‌گرفتم و گرنه غم‌های زمانه علی را کشته بود.

فاطمه جان! چقدر روزهای مدینه سیاه شده‌اند!

از روزهای سیاه به خانه پناه می‌برم، خانه نیز بی‌تو صفایش را گم کرده است.

مونس من! فقط تو بودی که بر زخم‌های دلم مرهم می‌نهادی و اندوه را از سینه‌ام برمی‌گرفتی.



زهرای من! آن خبر آغاز فتنه بود. باورش برایم سنگین می‌نمود. مردمان چه زود سفارشات رسول خدا(ص) را از یاد بردند!

اما زهرا جان صبوری کردم.

همان‌گونه که پدر بزرگوارت هم مرا گفته بود.

روزها سراسر مصیبت بود. وقتی فهمیدی یاران جملگی رهایم کرده‌اند، ناباورانه گفتی؛ مگر می‌شود این همه پیروان پدر از تو بریده باشند؟!

گفتی؛ بیا با هم به خانه‌هایشان برویم تا من وصایای پدر و ماجرای غدیر را برایشان یادآور شوم.

من هم برای رضایت تو آمدم...»

یادت هست روزی که وجود نورانی پدرت رسول خدا(ص) از بین‌مان رفتند و زمین قداستش را از دست داد؟ آن روز غم‌های بزرگ‌مان متولد شدند و چقدر زجرها که نکشیدیم!

هیچگاه آن روزهای طاقت‌کش از خاطرم نمی‌رود، به غسل حضرت مشغول بودم که خبر آوردند علی چه نشسته‌ای؟! امت در سقیفه جمع آمده‌اند تا برای پیامبر(ص) جانشین تعیین کنند!

فاطمه جان! غم‌ها پیرم کرده‌اند.



مهدی سرایی، مترجم:
عبدالله کوثری دوست داشت «زمین ما»ی فوئنتس را ترجمه کند اما به‌علت ممیزی نتوانست

شنبـه/ ۲۳ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۸۹

از یارانه خرید کتاب تا توسعه کتابخانه‌های روستایی؛ برنامه‌های هفته کتاب امسال چه وعده‌ای می‌دهند؟

گفت‌وگو با کتاب؛ از یک شعار تا یک مطالبه فرهنگی



قرار است از امروز، شنبه ۲۳ آبان، کتاب در شهرها و روستاهای مختلف ایران بیش از روزهای معمول به چشم بیاید؛ از کتابخانه‌های عمومی و دانشگاه‌ها گرفته تا کتاب‌فروشی‌ها، انجمن‌های ادبی و مراکز فرهنگی. سی‌وچهارمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران با شعار «با کتاب گفت‌وگو کنیم» از ۲۳ تا ۳۰ آبان برگزار می‌شود؛ رویدادی که امسال با بیش از دو هزار برنامه پیش‌بینی شده، تلاش دارد کتاب را از یک موضوع فرهنگی و مناسبتی به بخشی از زندگی روزمره مردم تبدیل کند. اما در شرایطی که صنعت نشر با مشکلات اقتصادی متعددی روبه‌روست و دسترسی به کتاب برای بخش زیادی از جامعه آسان نیست، پرسش اصلی این است که این برنامه‌ها تا چه اندازه می‌توانند به هدف خود نزدیک شوند و چه چیزی پس از پایان هفته کتاب باقی خواهد ماند؟

شعار امسال در نگاه نخست ساده به نظر می‌رسد اما ابراهیم حیدری، مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران و دبیر این دوره، برای آن سه سطح معنا در نظر گرفته است: گفت‌وگوی هر فرد با کتاب، گفت‌وگوی افراد با یکدیگر درباره کتاب و در نهایت، گفت‌وگوی جامعه با مسائل خودش از طریق کتاب. سطح سوم، به‌ویژه از این جهت اهمیت دارد که کتاب را از یک محصول فرهنگی فراتر می‌برد و آن را به ابزاری برای شناخت مسائل و تجربه‌های جمعی تبدیل می‌کند.

درواقع، اگر قرار باشد شعار امسال معنایی فراتر از عبارت روی پوسترهای هفته کتاب داشته باشد، باید بتواند به این پرسش پاسخ دهد که کتاب چه جایگاهی در مواجهه ما با مسائل روزمره، اجتماعی و حتی اختلاف نظرها دارد. جامعه‌ای که در آن درباره کتاب گفت‌وگو می‌شود، فقط جامعه‌ای نیست که تعداد بیشتری کتاب می‌خرد؛ بلکه جامعه‌ای است که امکان شنیدن دیدگاه‌های متفاوت، شناخت تجربه‌های دیگران و بازاندیشی درباره مسائل خود را از طریق مطالعه پیدا می‌کند. البته تحقق چنین هدفی با برگزاری چند نشست و نمایشگاه در طول یک هفته ممکن نیست. با این حال، گستردگی برنامه‌های امسال و تلاش برای سپردن بخش مهمی از فعالیت‌ها به مجموعه‌های غیردولتی و تخصصی، می‌تواند زمینه مناسبی برای شکل‌گیری چنین تجربه‌ای باشد.

بیش از دو هزار برنامه؛ این بار با مشارکت تشکل‌ها

بر اساس اعلام دبیرخانه این نهاد، بیش از دو هزار برنامه برای سی‌وچهارمین هفته کتاب در سراسر کشور پیش‌بینی شده است. یکی از ویژگی‌های اجرایی این دوره، تغییر نقش خانه کتاب و ادبیات ایران از مجری مستقیم برنامه‌ها به تسهیلگر و هماهنگ‌کننده است. به گفته حیدری، حدود ۹۵ درصد برنامه‌ها را تشکل‌ها، انجمن‌ها، نهادهای صنفی و مجموعه‌های مرتبط اجرا می‌کنند و خانه کتاب بیشتر بر هماهنگی و حمایت مالی و معنوی متمرکز خواهد بود.

تاکنون بیش از ۷۰ نهاد و سازمان برای مشارکت در این رویداد اعلام آمادگی کرده‌اند. همچنین برای برنامه‌های استانی سازوکاری در نظر گرفته شده که بر اساس آن، ۵۰ درصد اعتبارات پیش از آغاز هفته کتاب پرداخت می‌شود و بخش دیگر پس از بررسی عملکرد و گزارش اجرای برنامه‌ها اختصاص خواهد یافت. حیدری همچنین از افزایش حدود ۳۰ درصدی اعتبارات استانی نسبت به سال گذشته خبر داده است. این واگذاری از چند جهت قابل توجه است. نخست اینکه انجمن‌ها و تشکل‌های تخصصی معمولا شناخت دقیق‌تری از مخاطبان خود دارند و می‌توانند برنامه‌هایی متناسب با نیازهای واقعی آنها طراحی کنند. دوم اینکه مشارکت مجموعه‌های مختلف می‌تواند هفته کتاب را از یک رویداد وابسته به یک دستگاه اجرایی خارج کند و امکان حضور گروه‌های متنوع‌تری را فراهم آورد. البته این تغییر زمانی به نتیجه می‌رسد که واگذاری مسئولیت با حمایت پایدار، هماهنگی و ارزیابی همراه باشد؛ وگرنه ممکن است تعدد برنامه‌ها به پراکندگی فعالیت‌ها منجر شود. در بخش محتوایی نیز بیش از ۴۰ نشست تخصصی در سرای اهل قلم پیش‌بینی شده است. قرار است در این نشست‌ها مسائل و چالش‌های حوزه نشر و کتاب‌خوانی با حضور تشکل‌ها و انجمن‌های مرتبط بررسی شود؛ فرصتی که می‌تواند به طرح مشکلاتی فراتر از فضای جشن و بزرگداشت اختصاص پیدا کند.

کتاب فقط برای شهرهای بزرگ نیست

یکی از متفاوت‌ترین تصمیم‌های اجرایی امسال، برگزاری آیین افتتاحیه هفته کتاب در روستای فرخ‌آباد استان البرز است. این مراسم امروز ساعت ۱۰ صبح برگزار می‌شود و به گفته دبیر هفته کتاب، برای نخستین بار است که افتتاحیه این رویداد در یکی از روستاهای برگزیده جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب برگزار می‌شود.

انتخاب یک روستا برای آغاز هفته کتاب می‌تواند فراتر از یک تغییر محل برگزاری مراسم باشد. مسئله دسترسی به کتاب و امکانات فرهنگی در مناطق مختلف کشور، همواره یکی از موضوعات مهم در بحث عدالت فرهنگی بوده است. تمرکز امکانات و برنامه‌های فرهنگی در مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ، به این معناست که بخش دیگری از جامعه برای دسترسی به کتاب، کتابخانه و رویدادهای ادبی با محدودیت‌های بیشتری مواجه است. در همین زمینه، توسعه کتابخانه‌های عمومی و سیار نیز بخشی از برنامه‌های اعلام شده امسال است. نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور از پیش‌بینی بیش از ۲۱ هزار برنامه فرهنگی، ترویجی و آموزشی در شبکه کتابخانه‌های عمومی خبر داده است. این رقم مستقل از آمار بیش از دو هزار برنامه اعلام شده از سوی دبیرخانه کل هفته کتاب است و نباید با آن جمع زده شود. از جمله اقدامات اعلام شده این نهاد، راه‌اندازی ۳۴ کتابخانه سیار، افتتاح پنج پروژه جدید کتابخانه‌ای با زیربنایی در مجموع حدود هزار و ۲۵۰ مترمربع و بهره‌برداری از ۱۰ پروژه بازطراحی شده با مساحت نزدیک به دو هزار و ۲۰۰ مترمربع است. برنامه‌های قصه‌گویی، نشست‌های کتاب‌خوانی، فعالیت‌های کودک و نوجوان، پویش اهدای کتاب و بخشودگی جرائم دیرکرد نیز در کتابخانه‌های عمومی پیش‌بینی شده‌اند.

در این میان، برگزاری دومین دوره جایزه «نشان هم‌خوان» نیز قابل توجه است. این جایزه در ۱۳ محور برگزار می‌شود و ۹۴۳ پرونده برای شرکت در آن دریافت شده است. هدف آن شناسایی فعالیت‌های اثرگذار کتابداران، فعالان فرهنگی و مجموعه‌هایی است که در زمینه ترویج کتاب‌خوانی فعالیت می‌کنند. توجه به خدمات کتابخانه‌ای برای گروه‌های مختلف، از کودکان و نوجوانان تا سالمندان و گروه‌های خاص، از دیگر محورهای این جایزه است.

نمایشگاه‌ها و کتاب‌فروشی‌ها؛ راهی برای نزدیک‌تر شدن کتاب به مخاطب

در کنار فعالیت‌های کتابخانه‌ای، برنامه‌های مربوط به کتاب‌فروشی‌ها و نمایشگاه‌های استانی نیز بخش مهمی از هفته کتاب را تشکیل می‌دهند. یکی از نمونه‌های قابل توجه، برگزاری سیزدهمین نمایشگاه کتاب یزد پس از هفت سال وقفه است. این نمایشگاه از ۲۲ تا ۲۹ آبان برگزار می‌شود و بنابر اعلام مسئولان استانی، حدود ۳۵۰ ناشر کشوری در آن حضور خواهند داشت. برای شهروندان یزدی نیز تخفیف و یارانه ۳۰ درصدی خرید تا سقف دو میلیون تومان در نظر گرفته شده است. بازگشت این نمایشگاه پس از چند سال، از این جهت اهمیت دارد که نمایشگاه‌های استانی می‌توانند دسترسی مخاطبان به آثار ناشران مختلف را آسان‌تر کنند و بخشی از نیازهای فرهنگی شهرها را بدون وابستگی به رویدادهای بزرگ پایتخت پاسخ دهند. البته استمرار این رویدادها مهم‌تر از برگزاری مقطعی آنهاست؛ چرا که مخاطب برای ارتباط مستمر با کتاب به فرصت‌های منظم و قابل پیش‌بینی نیاز دارد.

در سطح ملی نیز طرح فروش حضوری و مجازی کتاب فروشی‌ها در سامانه «بازار کتاب» از ۲۳ تا ۲۹ آبان اجرا می‌شود. در این طرح، خریداران با یارانه ۲۰ درصدی خرید تا سقف اعتبار اعلام شده دو میلیون تومان برخوردار خواهند شد و می‌توانند با مراجعه به کتاب‌فروشی‌های عضو یا از طریق سامانه مربوط، از این امکان استفاده کنند. البته هزینه ارسال سفارش‌های اینترنتی بر عهده خریدار است. این طرح را می‌توان تلاشی برای پیوند دادن سیاست ترویج کتاب‌خوانی با حمایت از شبکه فروش کتاب دانست. به هر حال، خرید کتاب تنها به علاقه مخاطب وابسته نیست و وضعیت اقتصادی خانواده‌ها، قیمت آثار و دسترسی به کتاب‌فروشی‌ها در تصمیم نهایی آنها نقش دارد.

حمایت از خرید کتاب در برابر مشکلات صنعت نشر

طرح‌های حمایتی امسال در شرایطی اجرا می‌شوند که مدیرعامل خانه کتاب نیز به مشکلات اقتصادی صنعت نشر اشاره کرده است. به گفته او، وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور، شرایط تحریم و مشکلات تامین کاغذ و چاپ بر تولید کتاب اثر گذاشته‌اند. در چنین شرایطی، حمایت از خریداران و کتاب‌فروشی‌ها می‌تواند بخشی از فشار موجود را کاهش دهد، اما طبیعتا پاسخگوی تمام مشکلات این صنعت نیست.

بر اساس اطلاعات اعلام شده در نشست خبری این رویداد، بیش از ۱۰ میلیارد تومان یارانه برای طرح‌های فصلی خرید کتاب در نظر گرفته شده است. همچنین حیدری مجموع حمایت‌ها و هزینه‌های هفته کتاب را با احتساب خدمات، زیرساخت‌ها و امکانات دستگاه‌های مشارکت‌کننده، بیش از ۲۰ میلیارد تومان اعلام کرده است؛ رقمی که به گفته او بودجه‌ای قابل قبول اما نه ایده‌آل برای این رویداد محسوب می‌شود.

اهمیت این حمایت‌ها را نباید نادیده گرفت؛ اما مسئله اصلی همچنان پابرجاست. چطور می‌توان کتاب را به کالایی در دسترس برای گروه‌های بیشتری از جامعه تبدیل کرد؟ یارانه خرید، حتی اگر در کوتاه‌مدت به افزایش مراجعه به کتاب‌فروشی‌ها کمک کند، به تنهایی نمی‌تواند مشکلات تولید و توزیع کتاب یا کاهش قدرت خرید مخاطبان را برطرف کند. به همین دلیل، استمرار حمایت‌ها و توجه به شرایط تولیدکنندگان و فروشندگان کتاب، در کنار حمایت از مصرف‌کننده اهمیت دارد.



از حرف تا عمل

بعد از هفته کتاب چه می‌ماند؟

شمارش برنامه‌ها، یکی از رایج‌ترین راه‌های گزارش عملکرد رویدادهای فرهنگی است اما آیا می‌توان با دانستن اینکه در یک هفته، دو هزار یا ۲۱ هزار برنامه برگزار شده، درباره میزان موفقیت آنها قضاوت کرد؟ پاسخ احتمالا منفی است. حتی مدیرعامل خانه کتاب نیز در توضیح وضعیت هفته کتاب تاکید کرده که ارزیابی اثرگذاری فعالیت‌های فرهنگی به سادگی شمارش برنامه‌ها و نهادهای مشارکت‌کننده نیست. شاید یکی از ضعف‌های همیشگی مناسبت‌های فرهنگی این باشد که بخش مهمی از انرژی و منابع آنها صرف آماده‌سازی و اجرای مراسم می‌شود اما برای ادامه فعالیت‌ها پس از پایان مناسبت، سازوکار مشخصی وجود ندارد. در حوزه کتاب، این مسئله اهمیت بیشتری دارد؛ چراکه عادت به مطالعه با شرکت در یک نشست یا حضور در یک نمایشگاه شکل نمی‌گیرد و به تجربه‌ای مستمر نیاز دارد.

برای عبور از این وضعیت، می‌توان چند پیشنهاد عملی را در نظر گرفت. نخست، دبیرخانه هفته کتاب می‌تواند پس از پایان رویداد، گزارشی عمومی و شفاف از عملکرد برنامه‌ها منتشر کند؛ گزارشی که علاوه بر تعداد مراسم، میزان مشارکت مخاطبان، گروه‌های سنی شرکت‌کننده، تعداد کتاب‌های فروخته‌شده یا امانت گرفته‌شده و پراکندگی جغرافیایی فعالیت‌ها را نیز نشان دهد. دوم، برنامه‌های موفق کتاب‌خوانی در روستاها، مدارس و کتابخانه‌ها نباید با پایان هفته متوقف شوند. تشکیل گروه‌های مطالعه محلی، تقویت کتابخانه‌های سیار و ایجاد ارتباط مستمر میان کتاب‌فروشی‌ها و مخاطبان می‌تواند بخشی از این مسیر باشد. سوم، طرح‌های حمایتی خرید کتاب باید در کنار سیاست‌هایی برای کاهش مشکلات تولید و توزیع قرار بگیرند تا حمایت از مخاطب به چند روز تخفیف محدود نماند. در نهایت، موفقیت هفته کتاب را شاید نه در تعداد برنامه‌های برگزارشده، بلکه در تعداد ارتباط‌هایی بتوان سنجید که پس از پایان آن همچنان میان مردم و کتاب ادامه پیدا می‌کنند.

از مفاخر فرهنگی تا فرشته‌های میناب

بخش دیگری از برنامه‌های هفته کتاب امسال به مناسبت‌های فرهنگی و محتوایی اختصاص دارد. نام‌گذاری روزهای این دوره با محوریت مفاخر فرهنگی، هویت ملی، کتابداری، بازار جهانی نشر، کتاب گردی و نسل نو انجام شده است؛ تلاشی برای پیوند دادن میراث فرهنگی و ادبی کشور با موضوعات روز حوزه کتاب و مطالعه. از برنامه‌های شاخص این بخش می‌توان به برگزاری آیین «امین زبان پارسی»، جشنواره‌های کتاب سال دانشجویی و کتاب سال جوانان، جایزه قلم زرین و کتاب سال اکو اشاره کرد. همچنین نشست مدیران کتابخانه‌های ملی کشورهای آسیا و اقیانوسیه و برنامه‌هایی برای بررسی وضعیت نشر و بازار جهانی کتاب در دستور کار قرار گرفته است.

در این میان، اختتامیه جشنواره بین‌المللی داستان ۶ کلمه‌ای «مدرسه میناب؛ ۱۶۸ داستان کوتاه ناتمام» نیز از برنامه‌های مهم امسال است. این جشنواره با یاد کودکان شهید میناب برگزار می‌شود و بنا بر اعلام دبیر هفته کتاب، حدود ۱۶ هزار اثر از ۳۹ کشور جهان به دبیرخانه آن رسیده است. برگزاری نخستین جشنواره کتاب و کتاب‌خوانی در زندان‌های کشور نیز از دیگر برنامه‌هایی است که می‌تواند به گسترش دامنه مخاطبان فعالیت‌های فرهنگی توجه کند؛ گروهی که معمولا در برنامه‌ریزی‌های عمومی حوزه کتاب کمتر به چشم می‌آیند.

مسئله‌ای فراتر از یک هفته

سی‌وچهارمین هفته کتاب با مجموعه‌ای از برنامه‌های متنوع در حوزه‌های نشر، کتابخانه، کتاب‌فروشی، ادبیات و فعالیت‌های اجتماعی آغاز می‌شود. تعدد این برنامه‌ها و مشارکت نهادهای مختلف، ظرفیت قابل توجهی برای دیده شدن کتاب و فعال شدن مجموعه‌های فرهنگی فراهم کرده است. با این حال، اهمیت یک رویداد فرهنگی را نمی‌توان تنها با تعداد برنامه‌ها، نشست‌ها یا نمایشگاه‌های آن سنجید.

مسئله اصلی این است که در پایان این هشت روز، چه تغییری در دسترسی مردم به کتاب، وضعیت کتاب‌فروشی‌ها، فعالیت کتابخانه‌ها و عادت مطالعه ایجاد خواهد شد؟ آیا گروه‌هایی که در طول هفته با کتاب آشنا می‌شوند، امکان ادامه این ارتباط را خواهند داشت؟ آیا کتابخانه‌های سیار و برنامه‌های روستایی به فعالیتی مستمر تبدیل می‌شوند؟ و آیا حمایت‌های خرید کتاب در طول سال نیز ادامه پیدا می‌کند؟ این پرسش‌ها قرار نیست اهمیت برنامه‌های هفته کتاب را کمرنگ کنند؛ بلکه اتفاقا نشان می‌دهند چرا باید از این فرصت برای طرح مسائل عمیق‌تر استفاده کرد. همان‌طور که دبیر هفته کتاب نیز تاکید کرده، این رویداد به تنهایی قرار نیست همه مشکلات صنعت نشر را حل کند. شاید مهم‌ترین دستاورد آن زمانی شکل بگیرد که بتواند گفت‌وگویی جدی میان مخاطبان، کتاب‌فروشان، ناشران، کتابداران و سیاست‌گذاران ایجاد کند؛ گفت‌وگویی که با پایان آبان تمام نشود و در تمام روزهای سال ادامه داشته باشد.

«پرواز ۶۵۵» به کارگردانی «مسعود ده‌نمکی» به تدوین رسید



فیلم سینمایی «پرواز ۶۵۵» به کارگردانی مسعود ده‌نمکی و تدوین الهام عباس‌زاده، مراحل تدوین را پشت سر می‌گذارد.

به گزارش «ایرنا» «پرواز ۶۵۵» به کارگردانی مسعود ده نمکی و تدوین الهام عباس زاده، که دو سال پیش پروانه ساخت دریافت کرد، به دلیل وقوع جنگ و فراهم نشدن شرایط آغاز تولید، با وقفه مواجه شد و اکنون وارد مرحله تدوین شده است. این اثر با بهره‌گیری کامل از فناوری هوش مصنوعی ساخته شده و از تجربه‌های متفاوت سینمای ایران در استفاده از این فناوری به شمار می‌رود. داستان فیلم به حادثه پرواز شماره ۶۵۵ ایران ایر اختصاص دارد؛ هواپیمایی که ۱۲ تیر ۱۳۶۷ در مسیر بندرعباس به دبی، بر فراز خلیج فارس هدف موشک ناو آمریکایی «یواس‌اس وینسنس» قرار گرفت و ۲۹۰ سرنشین آن جان باختند.

با توجه به قرارگرفتن فیلم در مرحله تدوین، احتمال آماده شدن آن برای حضور در چهل‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر وجود دارد.

«دختر پری‌خانوم» «پروانه الماس» گرفت



فیلم سینمایی «دختر پری خانوم» به نویسندگی و کارگردانی علیرضا معتمدی جایزه «پروانه الماس» را دریافت کرد.

به گزارش «ایسنا» «دختر پری خانوم» به نویسندگی و کارگردانی علیرضا معتمدی، موفق به دریافت جایزه بهترین فیلمنامه از جایزه آزاد سینمایی اوراسیا موسوم به «پروانه الماس» شد. این جایزه سینمایی که در روسیه و به ابتکار نیکیتا میخالکوف، فیلمساز سرشناس روس، تاسیس شده، با جوایز نقدی قابل توجه خود از جمله جایزه یک میلیون دلاری بهترین فیلم، گفته می‌شود به یکی از رویدادهای مهم سینمای جهان تبدیل شده است. جوایز بخش‌های مختلف این رویداد نیز هر یک ارزشی معادل ۲۵۰ هزار دلار دارند.

علاوه بر میخالکوف، آندری زویاگینتسف، سرگئی بزروکوف، آندری کراوچوک و ولادیمیر خوتینکو از دیگر اعضای آکادمی «الماس پروانه» هستند که برگزیدگان خود را شب گذشته از میان ۴۱ فیلم شرکت‌کننده در این مراسم معرفی کردند. جایزه بهترین فیلم و بهترین طراحی صحنه به درام جنگی روسی «آگوست» اهدا شد. کیوان مقدم برای طراحی صحنه «دختر پری خانوم» کاندیدای این جایزه بود. «دختر پری خانوم» به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی علیرضا معتمدی که پیشتر در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمده بود، نمایش‌های بین‌المللی خود را با حضور در بخش مسابقه جشنواره فیلم ورشو آغاز کرد و پس از آن در مسکو نیز به نمایش درآمد.

با گردآوری ۷۲ اثر تصویرگری
روایت تصویری هنرمندان از شعرهای شفیعی‌کدکنی

کتاب «اگر می‌شد صدا را دید» با گردآوری ۷۲ اثر تصویرگری از شعرهای محمدرضا شفیعی‌کدکنی، در دو بخش مسابقه و مهمان جایزه‌ای به همین نام، از سوی انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران منتشر شد.

به گزارش «آگاه» از روابط عمومی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، این کتاب با عنوان کامل «آثار و گفتارهای جایزه اگر می‌شد صدا را دید؛ تصویرگری شعرهای محمدرضا شفیعی‌کدکنی» در ۱۷۰ صفحه و شمارگان ۵۰۰ نسخه به چاپ رسیده و شامل ۶۳ اثر منتخب بخش مسابقه و ۹ اثر از هنرمندان مهمان است.

این مجموعه علاوه بر آثار تصویری، گفتارهایی درباره پیوند شعر و تصویر و تجربه تصویرگری شعر برای مخاطبان بزرگسال را دربر می‌گیرد. کیانوش غریب‌پور، مدیر هنری و طراح گرافیک کتاب، در بیانیه‌ای که در این اثر منتشر شده است، به دشواری بازنمایی جهان چندلایه شعر در قالب تصویر پرداخته و تصویرگری شعر را فراتر از بازنمایی مستقیم واژه‌ها و مضامین دانسته است.

جایزه تصویرگری «اگر می‌شد صدا را دید» با موضوع تصویرگری شعرهای محمدرضا شفیعی‌کدکنی، در مرداد ۱۴۰۵ با انتشار فراخوان از سوی مجموعه فرهنگی «آینه‌دار دوران» و انجمن تصویرگران ایران آغاز شد. در این رویداد، ۳۷۵ تصویرگر شرکت کردند و از میان ۵۱۰ اثر دریافتی، ۶۳ اثر از ۶۴ هنرمند برای حضور در بخش مسابقه و نمایشگاه انتخاب شد.

داوری آثار را محمدعلی بنی اسدی، اقبال معتضدی، عاطفه ملکی جو، مانلی منوچهری و نجلا مهدوی اشرف برعهده داشتند. برگزیدگان این جایزه ۳۰ مهر ۱۴۰۵ در خانه هنرمندان ایران معرفی شدند و آذر اسدی‌راد و میثم فراهانی به‌طور مشترک جایزه بزرگ رویداد را دریافت کردند. جایزه هنرمند جوان به فاطمه سادات ارزه‌گرو و جایزه ویژه به انتخاب علی‌اکبر صادقی به پروانه نعمتی تعلق گرفت. همچنین سیما صاحبی، مجید ذاکری یونسی و حسن عامه‌کن به عنوان هنرمندان شایسته تقدیر معرفی شدند.

نمایشگاه آثار این رویداد از ۱۷ مهر تا ۱۵ آبان ۱۴۰۵ در خانه طهران برپا بود و همزمان با روز تصویرگری به کار خود پایان داد.

در گردهمایی پایانی، کتاب مجموعه آثار منتشر و به هنرمندان حاضر در نمایشگاه اهدا شد. این کتاب با تامین بودجه مجموعه فرهنگی «آینه‌دار دوران» و با مدیریت هنری کیانوش غریب‌پور، از سوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران منتشر شده است. عنوان کتاب و جایزه نیز از یکی از شعرهای محمدرضا شفیعی‌کدکنی برگرفته شده است.



علیرضا اعوانی، مدیرعامل شرکت گاز استان تهران:

گاز وزارت آموزش و پرورش و پنج ساختمان دولتی پرمصرف در تهران قطع شد

عرضه روغن‌های نامرغوب، گرانی و سلامت خودروها، دغدغه جدید رانندگان شده است

ترمز روغن موتور

افزایش قیمت روغن موتور در ماه‌ها و هفته‌های اخیر، هزینه نگهداری خودرو را برای بسیاری از خانواده‌ها بالا برده است. در این بازار، مصرف‌کننده همزمان با چند مسئله روبه‌روست، از جمله افزایش قیمت محصولات، محدودیت در تامین برخی مواد اولیه، احتمال عرضه روغن‌های تقلبی و بی‌کیفیت و نبود اطمینان کافی از اصالت کالایی که در مراکز تعویض روغن به خودرو تزریق می‌شود. در چنین شرایطی، روغن موتور دیگر صرفا یکی از اقلام مصرفی خودرو نیست بلکه کیفیت آن می‌تواند مستقیما با سلامت موتور و تحمیل هزینه‌های سنگین تعمیر ارتباط پیدا کند.



به گزارش «آگاه» «همین چند روز پیش روغن موتور خود را عوض کرد. حالا باید چندین برابر روغنی که خریده، صرف قطعات موتورش کند. می گفت نمایندگی به او گفته روغن موتور تقلبی برایت ریخته بودند. حالا نه می‌تواند ثابت کند که تعویض روغنی غش در معامله کرده و نه می‌تواند هزینه سنگین تعمیر موتورش را بدهد. می‌گفت که نمی‌توانسته اصل و تقلبی بودن روغن را تشخیص دهد. درست می‌گفت! سخت است!»

تولید روغن موتور به دو گروه اصلی مواد اولیه وابسته است؛ روغن پایه و مواد افزودنی. ایران با وجود برخورداری از ظرفیت تولید روغن پایه، برای ساخت برخی روغن‌های باکیفیت‌تر و متناسب با موتور خودروهای جدید، به افزودنی‌هایی نیاز دارد که بخشی از آنها از خارج کشور تامین می‌شوند. محدودیت واردات این مواد، افزایش نرخ ارز و مشکلات توزیع، از عواملی هستند که بر قیمت و عرضه روغن موتور تاثیر گذاشته‌اند.

این وضعیت در حالی ادامه دارد که روغن موتور کالایی قابل حذف از سبد مصرفی خودرو نیست. راننده‌ای که توان پرداخت هزینه‌های جدید را ندارد، ممکن است تعویض روغن را عقب بیندازد یا به سراغ محصولات ارزان‌تر برود. تصمیمی که در صورت استفاده از روغن نامتناسب یا بی‌کیفیت، می‌تواند هزینه‌ای به‌مراتب بیشتر از قیمت یک سرویس معمولی به او تحمیل کند. از طرفی برخی از مراکز تعویض روغن در کشور اقدام به ترکیب روغن‌های مرغوب با بی‌کیفیت می‌کنند. اقدامی که باعث غش در معامله است. این اتفاق باعث می‌شود سلامت خودروها به خطر افتاده و هزینه گزافی برای تعمیر خودرو به گردن مالک بیندازد.

فروش روغن موتور تا پنج برابر قیمت تمام‌شده

در کنار این مسائل، گزارش‌هایی از تخلفات در شبکه توزیع نیز منتشر شده است. احمد جعفری نسب، رئیس سازمان تعزیرات حکومتی استان تهران از شناسایی واحدهایی خبر داده که روغن موتور را با قیمت چهار تا پنج برابر بهای تمام شده به مصرف‌کننده عرضه می‌کردند. تشکیل پرونده‌های تخلف و پلمب تعدادی از نمایندگی‌ها و مراکز تعویض روغن، نشان می‌دهد مسئله بازار روغن موتور فقط به هزینه تولید محدود نیست و زنجیره توزیع نیز با مشکلاتی روبه‌روست. وی با اشاره به بازدیدهای مشترک با دادستان از کارخانه‌های تولید روغن موتور اظهار کرد: بررسی‌ها نشان داده است که قیمت تمام‌شده محصول در کارخانه مشخص است، اما در مسیر توزیع و به دلیل فعالیت واسطه‌ها و سوءاستفاده برخی نمایندگی‌ها و مراکز تعویض روغن، قیمت آن به‌شدت افزایش پیدا می‌کند. به گفته او، در همین زمینه پرونده‌های بزرگی تشکیل و تعدادی از واحدهای متخلف پلمب شده‌اند.

رئیس سازمان تعزیرات تهران از برنامه عرضه مستقیم روغن موتور از کارخانه به مراکز مشخص‌شده در استان تهران خبر داد. بر اساس توضیحات او، حدود ۱۵۰ نقطه برای دریافت مستقیم محصول از کارخانه‌ها در نظر گرفته شده و نمایندگی‌ها در این طرح مجاز به دریافت هفت درصد سود هستند. وی میزان پیشرفت طرح را حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد اعلام کرد و گفت: برای نظارت بر مراکز عرضه و تعویض روغنی‌ها، حدود ۱۵ شعبه با نزدیک به ۶۰ بازرس مستقر شده‌اند. از سوی دیگر، مسئله قیمت نیز به یکی از چالش‌های اصلی بازار تبدیل شده است. در یک سال گذشته، روغن موتور خودروهای سبک سه مرحله افزایش رسمی قیمت را تجربه کرده است؛ افزایش ۱۰ درصدی در آبان ۱۴۰۴، افزایش ۳۰ تا ۴۰ درصدی دردی همان سال و افزایش میانگین حدود ۳۰ درصدی در اردیبهشت ۱۴۰۵.

اجرای یک طرح آزمایشی

دولت برای کنترل بازار روغن موتور به سراغ عرضه مستقیم رفته است. در مقابل، سیدرضا عباس‌آبادی، رئیس کمیسیون لاستیک و روغن خودرو اتاق اصناف ایران، از اجرای آزمایشی طرح عرضه مستقیم روغن و لاستیک در ۳۰۰ نقطه تهران خبر داده و گفته بود: روغن موتور از چهار کارخانه اصلی تامین و از طریق تعاونی‌ها در اختیار واحدهای صنفی دارای مجوز قرار می‌گیرد.

بر اساس توضیحات او، سود تعاونی‌ها برای عرضه و تحویل کالا حدود سه درصد برآورد شده است. در همین حال، وزارت صمت از توسعه سامانه‌های نظارتی و همکاری حدود ۳۰۰ فروشنده با این سامانه‌ها خبر داده است.

به نظر می‌رسد تا زمانی که این حلقه‌ها به درستی مدیریت نشوند، افزایش قیمت روغن موتور فقط به معنای گران‌تر شدن یک سرویس دوره‌ای نخواهد بود بلکه می‌تواند هزینه استفاده از خودرو را به شکل جدی افزایش دهد و سلامت موتور خودروهای میلیون‌ها خانوار را در معرض خطر قرار دهد.

وقتی روغن تقلبی وارد موتور می‌شود چه اتفاقی می‌افتد؟

نگرانی درباره کیفیت روغن موتور در شرایطی افزایش پیدا می‌کند که قیمت محصول بالا رفته و بخشی از مواد اولیه وارداتی با محدودیت تامین مواجه شده است. در چنین بازاری، احتمال سوءاستفاده افراد سودجو و عرضه محصولات تقلبی یا روغن‌هایی با کیفیت پایین‌تر افزایش می‌یابد. روغن موتور تقلبی الزاما به معنای روغنی نیست که تمام محتویات آن از یک ماده بی‌کیفیت تشکیل شده باشد. گاهی محصولی با بسته‌بندی و برچسب یک برند معتبر عرضه می‌شود، اما محتویات آن با مشخصات اعلام‌شده مطابقت ندارد. در موارد دیگر ممکن است روغن پایه نامرغوب، ترکیب نامناسبی از مواد افزودنی یا حتی مواد رقیق‌کننده و حلال‌های غیرمجاز در محصول استفاده شده باشد. اگر روغن موتور با حلال یا ماده‌ای که برای این کاربرد طراحی نشده مخلوط شود، ممکن است ویسکوزیته و مقاومت فیلم روغن کاهش پیدا کند. در این حالت، روغن نمی‌تواند لایه محافظ مناسبی میان قطعات متحرک موتور ایجاد کند. پیامد چنین وضعیتی می‌تواند افزایش اصطکاک و سایش قطعات، آسیب دیدن یاتاقان‌ها، پیستون‌ها و جداره سیلندر، افزایش دمای کاری موتور و در موارد شدید، گیرپاژکردن موتور باشد. از طرف دیگر، اگر روغن از افزودنی‌های ضد سایش، پاک‌کننده و ضد اکسیداسیون کافی برخوردار نباشد، ممکن است رسوبات و لجن در بخش‌های داخلی موتور تشکیل شوند. این رسوبات می‌توانند مسیرهای عبور روغن را مسدود کنند و مانع رسیدن روانکار به بخش‌هایی شوند که به روغن‌کاری مداوم نیاز دارند. در خودروهای جدید که موتورهای آنها با تلرانس‌های دقیق‌تری طراحی شده‌اند، استفاده از روغن نامتناسب با مشخصات فنی سازنده می‌تواند آسیب‌پذیری بیشتری ایجاد کند. با این حال، هر روغن ارزان‌قیمت یا هر محصولی که قیمت آن پایین‌تر از برندهای مشهور است، لزوما تقلبی نیست. معیار اصلی، اصالت محصول، کیفیت واقعی و تطابق مشخصات فنی آن با استاندارد مورد نیاز خودرو است.

چطور روغن موتور مطمئن بخریم؟

درپوش، حلقه پلمپ، محل اتصال درپوش به بدنه و آثار بازشدگی یا دستکاری را بررسی کنید. بسته‌بندی نامنظم، چاپ بی‌کیفیت، غلط املایی و تفاوت در جزئیات ظاهری با نمونه معتبر برند می‌تواند هشداردهنده باشد.

شماره بچ تولید، تاریخ تولید و سایر مشخصات درج‌شده روی ظرف را بررسی کنید. اگر برند امکان استعلام کد اصالت یا شناسه محصول را فراهم کرده است، از سامانه رسمی معرفی‌شده توسط همان تولیدکننده استفاده کنید. صرف وجود QR یا هولوگرام، اصالت کالا را ثابت نمی‌کند. خرید از نمایندگی‌های مجاز، فروشگاه‌های دارای پروانه کسب و مراکز تعویض روغن معتبر، احتمال خرید محصول تقلبی را کاهش می‌دهد. فاکتور خرید را دریافت کنید تا در صورت بروز مشکل امکان پیگیری وجود داشته باشد.

تیره شدن روغن پس از مدتی کارکرد الزاما نشانه تقلبی بودن یا خرابی آن نیست. همچنین روغن شفاف یا غلیظ لزوما اصل نیست. تشخیص قطعی ترکیبات و کیفیت روغن به آزمایش تخصصی نیاز دارد.

مشکل در قیمت‌گذاری و نظارت است

محمدجواد نظرزاده، مدیرکل دفتر خدمات آماد و توزیع وزارت صمت: در برخی بازارها روغن موتور بالاتر از قیمت مصوب فروخته می‌شود. وزارت صمت از این وضعیت آگاه است و برای ساماندهی بازار و افزایش نظارت تلاش می‌کند.

دولت قصد گران کردن روغن موتور را ندارد و با توجه به اینکه تولید این محصول با ریال انجام می‌شود، توزیع آن نیز باید بر مبنای ریال باشد.

تولیدکنندگان بخش خصوصی و خصولتی ملزم شده‌اند اطلاعات مربوط به فعالیت خود را در سامانه جامع تجارت ثبت کنند. در حال حاضر حدود ۳۰۰ فروشنده روغن موتور با سامانه وزارت صمت همکاری می‌کنند و فروش و قیمت‌گذاری آنها تحت نظارت قرار دارد.

از مردم درخواست می‌کنیم هر خریدی که از هر فروشگاهی انجام می‌دهند حتماً فاکتور دریافت کنند.

عرضه در برخی از فروشگاه‌ها نسبت به قیمت مصوب بالاتر است و ما به دنبال سامان‌دهی این بخش هستیم.

محدودیت واردات افزودنی‌ها و افزایش هزینه تعویض روغن

میلاد فلاح، رئیس اتحادیه صنف تعویض روغن و آپارات استان البرز: تولید روغن موتور به مواد اولیه مختلفی از جمله روغن پایه و مواد افزودنی نیاز دارد. روغن‌های موتور در سه گروه یک، دو و سه تقسیم‌بندی می‌شوند و روغن‌های گروه سه برای تولید به مواد افزودنی بیشتری نیاز دارند که بخش قابل توجهی از آنها وارداتی است. این افزودنی‌ها پیشتر از کشورهای حوزه خلیج فارس، چین، هند و تایوان تامین می‌شدند همچنین واردات آنها از سال گذشته تاکنون به‌شدت محدود شده است.

چهار شرکت دولتی تامین‌کننده حدود ۸۰ درصد روغن موتورهای خودرویی بنزینی، دیزلی و صنعتی کشور و سهم بخش خصوصی حدود ۲۰ درصد است. هزینه تعویض روغن خودروهای معمولی در شرایط فعلی حدود هفت تا هشت میلیون تومان است. پیش از این با حدود دو میلیون تومان امکان انجام یک سرویس تعویض روغن وجود داشت. هزینه تعمیر یک موتور معمولی نیز به حدود ۸۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان رسیده است.

خروج تایر و روغن موتور خودروهای سبک از قیمت‌گذاری دستوری

در جلسه تنظیم بازار که به ریاست محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور، برگزار شد، آخرین وضعیت بازار دارو و ملزومات پزشکی، صنعت تایر و روغن موتور، ذخایر کالاهای اساسی و روند اجرای سیاست کالابرگ الکترونیکی مورد بررسی قرار گرفت و تصمیماتی برای حمایت از تولید داخلی، مدیریت بازار و تعیین تکلیف مطالبات فعالان حوزه دارو اتخاذ شد.

در این جلسه، گزارشی از وضعیت صنعت تایر و روغن موتور کشور ارائه شد و پس از بررسی شرایط تولید و بازار این محصولات، به تصویب رسید که تایر و روغن موتور خودروهای سبک تا پایان سال از شمول قیمت‌گذاری دستوری خارج شوند. هدف از این تصمیم، افزایش تولید داخلی و تعدیل قیمت‌ها عنوان شد.

بر اساس مصوبه جلسه، توزیع لاستیک خودروهای سنگین و روغن دیزلی همچنان مطابق روال موجود ادامه خواهد یافت.

پشت پرده عملکرد بانک مرکزی در تامین ارز دارو و تجهیزات

افزایش هزینه تامین ارز، چالش جدی امسال

رئیس سازمان غذا و دارو، در واکنش به برخی انتقادها از عملکرد بانک مرکزی در تامین ارز دارو و تجهیزات پزشکی، توضیحاتی داد.

مهدی پیرصالحی، با اشاره به تداوم تامین دارو و تجهیزات پزشکی مورد نیاز کشور در شرایط دشوار اقتصادی و محدودیت‌های بین‌المللی، گفت: تعداد اقلام دارویی حیاتی و ضروری دارای کمبود که در پایان مهر، ۴۷ قلم بود، در ۱۹ آبان به حدود ۳۷ تا ۳۸ قلم کاهش یافته است و امیدواریم این روند تا پایان ماه نیز حفظ شود.

وی با تاکید بر اینکه تامین دارو و تجهیزات پزشکی با وجود همه محدودیت‌ها ادامه دارد، افزود: نباید صرفا با تکیه بر فضاسازی‌ها، تصویر غیرواقعی از وضعیت تامین دارو ارائه کرد. واقعیت این است که مجموعه دستگاه‌های مسئول با وجود دشواری‌های موجود، برای حفظ پایداری تامین و دسترسی مردم به اقلام سلامت محور تلاش می‌کنند.

رئیس سازمان غذا و دارو درباره انتقادهای مطرح شده نسبت به عملکرد بانک مرکزی در تامین ارز دارو و تجهیزات پزشکی، اظهار کرد: باید میان ناکافی بودن منابع ارزی اختصاص یافته به این حوزه و عملکرد بانک مرکزی در تامین ارز مصوب تفاوت قائل شد. نیاز ارزی دارو و تجهیزات پزشکی حدود ۵.۵ میلیارد دلار برآورد شده، در حالی که دولت و مجلس ۴.۵ میلیارد دلار برای این بخش پیش‌بینی کرده‌اند. بانک مرکزی نیز ارز تعیین‌شده در چارچوب سهمیه مصوب را به طور کامل و به موقع تامین کرده است.

پیرصالحی ادامه داد: اگر انتقادی درباره منابع ارزی وجود دارد، موضوع اصلی ناکافی بودن سهم اختصاص‌یافته به حوزه دارو و تجهیزات پزشکی است، نه عملکرد بانک مرکزی در اجرای مصوبه. این بانک نمی‌تواند خارج از میزان منابع و سهمیه‌ای که برای آن تعیین شده است، ارز بیشتری در اختیار این حوزه قرار دهد. امیدواریم در جلسه آتی ستاد اقتصادی دولت برای تعیین سهمیه ارزی چهارماه پایانی سال، بتوانیم منابع بیشتری متناسب با نیاز واقعی این بخش دریافت کنیم. وی با اشاره به اقدامات انجام شده برای تسهیل حمل‌ونقل و انتقال محموله‌های دارویی به کشور به «مهر» گفت: جلسات مستمری با دستگاه‌های مرتبط، از جمله وزارت راه، برای رفع موانع حمل‌ونقل برگزار می‌شود و اکنون محموله‌های دارویی از مسیرهای مختلف در حال انتقال به کشور هستند. از هند برای تامین داروهای تحت کنترل از مسیرهای مشخص حمل‌ونقلی استفاده می‌کنیم و علاوه بر آن، دارو از مسیرهای دیگر هند، چین و کشورهای اروپایی نیز وارد کشور می‌شود.

معاون وزیر بهداشت با بیان اینکه افزایش هزینه تامین ارز یکی از چالش‌های جدی سال جاری است، توضیح داد: سال گذشته برای تامین حدود پنج میلیارد دلار ارز مورد نیاز این حوزه، حدود ۲۰۰ همت منابع ریالی هزینه شد؛ اما امسال این رقم به حدود ۵۲۰ تا ۵۳۰ همت رسیده است. این افزایش ناشی از تغییر ترکیب نرخ‌های ارزی و بالا رفتن هزینه تامین ارز است؛ بنابراین نباید تصور کرد که تمام ارز مورد استفاده در حوزه دارو همچنان با نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان تامین می‌شود. وی افزود: تغییرات قیمت دارو با هدف جبران بخشی از افزایش هزینه‌های تامین و تولید و کمک به استمرار فعالیت واحدهای تولیدی انجام شده است. این تغییرات متناسب با شرایط و هزینه‌های هریک از اقلام دارویی صورت گرفته و به معنای افزایش یکسان قیمت همه داروها نیست. در عین حال، صیانت از قدرت خرید بیماران و حفظ دسترسی آنان به داروهای مورد نیاز از ملاحظات اصلی در این تصمیمات بوده است.

پیرصالحی همچنین به تصمیمات اتخاذ شده در حوزه بیمه اشاره کرد و گفت: برخی تصمیمات در شورای عالی بیمه به تصویب رسیده و مورد موافقت دولت قرار گرفته است که از جمله آنها می‌توان به پوشش صد درصدی فرانشیز اولیه برای گروه‌هایی از بیماران اشاره کرد. این اقدامات با هدف کاهش پرداخت از جیب بیماران، تقویت حمایت‌های بیمه‌ای و تسهیل دسترسی آنان به خدمات و داروهای مورد نیاز دنبال می‌شود.



رئیس سازمان غذا و دارو در پایان تاکید کرد: با وجود محدودیت منابع ارزی، افزایش هزینه‌های تامین و دشواری‌های حمل‌ونقل بین‌المللی، روند تامین دارو و تجهیزات پزشکی از مسیرهای مختلف ادامه دارد و تلاش مجموعه دستگاه‌های مسئول بر این است که با هماهنگی و استفاده از ظرفیت‌های موجود، پایداری زنجیره تامین و دسترسی بیماران به اقلام مورد نیاز حفظ شود.



غلامحسین محمدی، سرپرست سازمان تامین اجتماعی:

توسعه زیرساخت‌های درمانی و معیشت بیمه‌شدگان در مناطق محروم در اولویت است

شکاف دستمزد و تورم در آستانه ۱۴۰۶ عمیق‌تر شد

حقوق ۳۵ درصد بالا می‌رود، هزینه زندگی ۸۹ درصد



افزایش ۳۵ درصدی حقوق کارکنان دولت در سال ۱۴۰۶، پیش از آنکه به مرحله تصویب نهایی برسد، به یکی از موضوعات بحث‌برانگیز اقتصادی تبدیل شده است. رقمی که قرار است به صورت پلکانی اعمال شود و با هدف افزایش بیشتر حقوق‌های پایین‌تر در نظر گرفته شده، اما در مقایسه با وضعیت تورمی اقتصاد ایران، پرسش مهمی را پیش روی سیاست‌گذاران قرار می‌دهد: آیا افزایش ۳۵ درصدی حقوق می‌تواند حتی بخشی از فشار هزینه‌های زندگی را جبران کند یا پیش از آنکه به دست کارکنان برسد، بخش بزرگی از اثر آن در موج افزایش قیمت‌ها از بین می‌رود؟

به گزارش «آگاه» بر اساس ضوابط مالی تهیه و تدوین لایحه بودجه سال ۱۴۰۶، متوسط افزایش حقوق کارکنان دولت نسبت به سال جاری ۳۵ درصد پیش‌بینی شده است. این رقم در حالی مطرح شده که تورم همچنان در سطوح بالایی قرار دارد و هزینه تامین نیازهای اولیه خانوارها با سرعت قابل‌توجهی افزایش یافته است. البته باید توجه داشت که این میزان، متوسط افزایش پیش‌بینی‌شده است و به معنای افزایش یکسان حقوق تمام کارکنان نیست. همچنین این رقم هنوز مصوبه نهایی حقوق سال آینده محسوب نمی‌شود و جزئیات آن در مراحل بعدی بررسی بودجه مشخص خواهد شد.

تورم جلوتر از حقوق؛ شکاف در حال بزرگ‌تر شدن

برای سنجش کفایت افزایش حقوق، نمی‌توان تنها به درصد اعلام‌شده اکتفا کرد؛ بلکه باید آن را در کنار شاخص‌های تورمی قرار داد. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، تورم ماهانه مهر ۱۴۰۵ به ۴.۴ درصد، تورم نقطه به نقطه به ۸۸.۷ درصد و تورم سالانه به ۷۶.۸ درصد رسیده است. به این معنا که خانوارها برای خرید مجموعه کالاها و خدمات مشابه در مهر امسال نسبت به ماه مشابه سال گذشته، به‌طور متوسط ۸۸.۷ درصد هزینه بیشتری پرداخت کرده‌اند.

بررسی روند چهار دهه گذشته نشان می‌دهد افزایش دستمزدها همواره با تورم همگام نبوده است. اگرچه در سال ۱۴۰۱ رشد ۵۷ درصدی حقوق از تورم پیشی گرفت و در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ نیز افزایش حقوق حداقل‌بگیران بالاتر از تورم بود، اما تجربه سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ نشان داد این فاصله می‌تواند دوباره معیشت حقوق‌بگیران را تحت فشار قرار دهد. اکنون پیش‌بینی افزایش ۳۵ درصدی حقوق در سال ۱۴۰۶، نگرانی از تکرار همین عقب‌ماندگی را جدی‌تر کرده است. این ارقام از آن جهت اهمیت دارند که افزایش ۳۵ درصدی حقوق، حتی در مقایسه با تورم سالانه ثبت‌شده نیز فاصله قابل‌توجهی دارد. اگر صرفا برای درک ابعاد این شکاف، فرض کنیم سطح قیمت‌ها با نرخ تورم سالانه مهر افزایش یابد، رشد ۳۵ درصدی حقوق به معنای کاهش حدود ۲۳.۶ درصدی قدرت خرید نسبت به وضعیت قبل خواهد بود. این محاسبه یک سناریوی مقایسه‌ای است، نه پیش‌بینی قطعی تورم سال ۱۴۰۶؛ اما نشان می‌دهد افزایش اسمی حقوق الزاما به معنای بهبود وضعیت معیشتی نیست.

وقتی هزینه‌های ضروری از درآمد جلو می‌زنند

تصویر دقیق‌تر فشار معیشتی را می‌توان در جزئیات سبد مصرف خانوار مشاهده کرد. بر اساس آمار مرکز آمار ایران، تورم نقطه به نقطه گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات در مهر ۱۴۰۵ به ۱۱۳.۴ درصد رسیده است؛ به این معنا که هزینه این گروه از کالاها نسبت به مهر سال گذشته بیش از دو برابر شده است. در برخی اقلام نیز شرایط شدیدتر بوده؛ تورم نقطه‌ای روغن‌ها و چربی‌ها به ۲۵۵.۷ درصد و گروه شیر، پنیر و تخم مرغ به ۱۵۴.۶ درصد رسیده است.

بررسی قیمت ۵۳ قلم خوراکی منتخب نیز نشان می‌دهد قیمت ۳۶ قلم، معادل حدود ۶۸ درصد این اقلام، بیش از تورم نقطه‌ای مناطق شهری افزایش یافته است. این آمار نشان می‌دهد فشار تورمی تنها در شاخص‌های کلان خلاصه نمی‌شود و مستقیما به سبد خرید روزانه خانوارها منتقل شده است. در بخش مسکن نیز تورم نقطه به نقطه گروه مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها در مهر ۳۷.۸ درصد و تورم نقطه‌ای اجاره‌بها ۳۳.۴ درصد ثبت شده است. هرچند این ارقام از تورم عمومی ۸۸.۷ درصد پایین‌تر هستند، اما رشد هزینه اجاره در کنار افزایش قیمت خوراک و سایر کالاها، بخش بیشتری از درآمد خانوار را به هزینه‌های ضروری اختصاص می‌دهد.

در چنین شرایطی، افزایش ۳۵ درصدی حقوق حتی ممکن است پیش از آنکه به بهبود سطح زندگی منجر شود، صرف جبران بخشی از هزینه‌های افزایش یافته شود. نکته مهم آن است که سهم خوراکی‌ها در سبد هزینه خانوارهای کم‌درآمد بیشتر است؛ بنابراین افزایش قیمت کالاهای اساسی فشار نامتناسبی بر این گروه وارد می‌کند. در نتیجه، متوسط افزایش حقوق به‌تنهایی نمی‌تواند تصویر دقیقی از میزان بهبود یا افت قدرت خرید گروه‌های مختلف ارائه دهد.

صدای مخالفان در مجلس؛ ۳۵ درصد کافی نیست

فاصله میان افزایش حقوق پیشنهادی و واقعیت هزینه‌های زندگی، واکنش انتقادی نمایندگان مجلس را نیز به دنبال داشته است. احمد فاطمی، نماینده مردم بابل و عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، از جمله منتقدان این پیشنهاد است.

فاطمی در واکنش به بخشنامه بودجه ۱۴۰۶ گفت: به عنوان عضو کمیسیون تلفیق بودجه به دولت هشدار می‌دهم که افزایش ۳۵ درصدی حقوق در سال آینده وهن کارکنان دولت و کارگران و توهین به نمایندگان مجلس است. وی ادامه داد: اگر دولت لایحه بودجه ۱۴۰۶ را با افزایش ۳۵ درصدی حقوق کارکنان دولت به مجلس ارائه کند، کمیسیون تلفیق و مجلس با کلیات آن مخالفت خواهد کرد و لایحه را به دولت برمی‌گردانند. این نماینده مجلس با اشاره به نرخ تورم افزود: وقتی نرخ تورم رسمی ۸۸ درصد است، افزایش ۳۵ درصدی حقوق هیچ توجیهی ندارد؛ چون طبق قانون برنامه باید میزان افزایش حقوق به اندازه تورم یا حداقل به نرخ تورم نزدیک باشد.

رحیم زارع، عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس نیز از دیگر منتقدان این میزان افزایش حقوق است. وی با اشاره به فاصله میان رشد درآمدها و هزینه‌های زندگی، افزایش ۳۵ درصدی را متناسب با شرایط اقتصادی کشور ندانست و بر ضرورت بازنگری در رقم پیشنهادی تاکید کرد. زارع افزود: افزایش حقوق باید به گونه‌ای تعیین شود که بتواند بخشی از کاهش قدرت خرید کارکنان و بازنشستگان را جبران کند. وی همچنین پیشنهاد افزایش حداقل ۵۰ درصدی حقوق را برای سال آینده مطرح کرده است.

افزایش اسمی؛ کاهش واقعی قدرت خرید

یکی از نکاتی که در بررسی افزایش حقوق باید مورد توجه قرار گیرد، تفاوت میان رشد اسمی درآمد و رشد واقعی قدرت خرید است. ممکن است دریافتی یک کارمند در ابتدای سال آینده ۳۵ درصد افزایش پیدا کند، اما اگر قیمت کالاها و خدمات با سرعت بیشتری افزایش یابد، در عمل توان خرید او کاهش خواهد یافت. از سوی دیگر، افزایش پلکانی حقوق با هدف حمایت بیشتر از حقوق‌بگیران کم‌درآمد می‌تواند در توزیع منابع اثر مثبتی داشته باشد؛ اما موفقیت این سیاست به میزان افزایش واقعی دریافتی گروه‌های مختلف بستگی دارد.

اگر پایه افزایش به اندازه‌ای نباشد که فاصله درآمد و هزینه را جبران کند، پلکانی بودن به‌تنهایی نمی‌تواند مشکل معیشت را حل کند. البته افزایش دستمزدها بدون توجه به منابع مالی دولت و آثار آن بر کسری بودجه نیز نمی‌تواند راه‌حل پایداری باشد. سیاست‌گذار باید میان توان مالی دولت، کنترل تورم و ضرورت حفظ قدرت خرید کارکنان تعادل برقرار کند. با این حال، محدودیت منابع نباید به معنای نادیده گرفتن واقعیت هزینه‌های زندگی باشد.

بودجه ۱۴۰۶ در آزمون معیشت

در نهایت، مسئله اصلی در تعیین حقوق سال آینده، انتخاب میان ۳۵ یا ۵۰ درصد نیست؛ بلکه تدوین سازوکاری است که افزایش دستمزدها را به واقعیت هزینه‌های خانوار نزدیک کند. وقتی تورم نقطه به نقطه از مرز ۸۸ درصد عبور کرده، تورم خوراکی‌ها سه‌رقمی شده و هزینه‌های ضروری زندگی همچنان افزایش می‌یابد، نمی‌توان انتظار داشت رشد ۳۵ درصدی به تنهایی قدرت خرید از دست‌رفته را بازگرداند.

بودجه سال ۱۴۰۶ از همین حالا با یک آزمون مهم روبه‌روست: آیا سیاست‌گذار می‌تواند میان محدودیت‌های مالی دولت و حق معیشت نیروی کار تعادل برقرار کند یا بار دیگر فاصله میان درآمد و هزینه زندگی به حقوق‌بگیران منتقل خواهد شد؟ پاسخ این پرسش نه در درصدهای نوشته‌شده در بخشنامه، بلکه در قدرت خریدی مشخص می‌شود که کارکنان در پایان سال آینده واقعا در اختیار خواهند داشت.

احیای جنگل‌های پایتخت با اجرای طرحی ۱۰ ساله

خشکی ۴۵ درصد درختان بوستان سرخه‌حصار

معاون سازمان بوستان‌های شهر تهران با اشاره به خشکیدگی بخشی از درختان جنگل‌های قدیمی تهران، گفت: خشکسالی‌های پی‌درپی، کاهش بارندگی، افزایش دما، آلودگی هوا، کهولت سن درختان و کاهش آبیاری از جمله عوامل موثر در تضعیف این جنگل‌هاست، اما با مدیریت اصولی و اجرای برنامه‌های فنی و پرورشی می‌توان نسبت به احیای آنها اقدام کرد.

نقی شعبانیان با اشاره به قدمت جنگل‌کاری‌های تهران، به «ایسنا» گفت: جنگل‌کاری‌های قدیمی پایتخت از حدود سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ آغاز شده‌اند و در آن زمان شرایط اقلیمی با شرایط امروز تفاوت زیادی داشت؛ به گونه‌ای که میزان بارندگی بیشتر و جمعیت شهر کمتر بود، اما در دهه‌های اخیر، کاهش شدید بارندگی، افزایش جمعیت، بالا رفتن دما و تشدید آلودگی هوا، شرایط متفاوتی را برای این عرصه‌های جنگلی ایجاد کرده است.

وی با بیان اینکه جنگل‌کاری برخلاف ظاهر ساده آن، فعالیتی علمی و پیچیده است، افزود: هنگام اجرای عملیات جنگل‌کاری باید شرایط دست‌کم ۱۰۰ سال آینده نیز پیش‌بینی شود و برای توده جنگل‌کاری‌شده، برنامه‌ریزی گام‌به‌گام و بلندمدت صورت گیرد. این موضوع در قالب طرح جنگل‌کاری تعریف می‌شود؛ به این معنا که فعالیت‌ها و اقدامات مورد نیاز هر سال باید در یک برنامه زمانی و مکانی مشخص و مدون پیش‌بینی شود. این برنامه نیز باید به تصویب مراجع فنی سازمان منابع طبیعی و کمیته فنی اداره کل مربوطه برسد. برای مثال، در مورد پارک جنگلی سرخه حصار، برنامه باید به تصویب اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان تهران برسد و تمام صفحات آن مهر و تایید شود.

معاون توسعه جنگل و کمربند سبز سازمان بوستان‌های شهر تهران، ادامه داد: این برنامه‌های فنی در سال‌های ابتدایی، یعنی اوایل دهه ۱۳۴۰، وجود داشتند، اما به تدریج اجرای آنها متوقف شد تا اینکه از سال ۱۴۰۰ دوباره این روند آغاز شد. اکنون نیز برنامه‌ریزی‌های زمانی و مکانی با جدیت دنبال می‌شود و در مجموع طرحی تحت عنوان «طرح فنی و پرورشی» در حال تدوین و اجراست.

شعبانیان با اشاره به عوامل موثر در خشکیدگی درختان پایتخت، گفت: کهولت سن، خشکسالی‌های پی‌درپی، کاهش آبیاری و آلودگی هوای شهر تهران از جمله عوامل تضعیف درختان هستند. آلودگی هوا موجب می‌شود روزنه‌های برگ درختان تحت تاثیر قرار بگیرند و عملا تبادلات گازی آنها مختل شود. مجموعه این عوامل دست‌به‌دست هم داده‌اند تا درختان از نظر فیزیولوژیکی ضعیف شوند. در کنار این موارد، انواع آفات و بیماری‌ها نیز به درختان آسیب وارد کرده‌اند. وی با اشاره به وضعیت درختان در بوستان سرخه حصار اظهار کرد: در حال حاضر حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد درختان این بوستان خشک شده‌اند و بخشی از درختان نیز با درجاتی از خشکی و آفت‌زدگی مواجه هستند. با این حال، این شرایط به معنای رسیدن وضعیت به مرحله‌ای غیرقابل بازگشت نیست و اگر بتوانیم موضوع را به‌درستی مدیریت کنیم، احیای این محدوده امکان‌پذیر خواهد بود. بنابراین، نباید تصور کنیم که همه‌چیز به پایان رسیده و دیگر امکان انجام اقدامات اصلاحی وجود ندارد.

معاون توسعه جنگل و کمربند سبز سازمان بوستان‌های شهر تهران با تاکید بر اهمیت مدیریت فنی و پرورشی در جنگل‌کاری‌ها، تصریح کرد: اگر از سه یا چهار دهه قبل، دست‌کم از دهه دوم پس از آغاز این جنگل‌کاری‌ها و از سال‌های ابتدایی مانند سال ۱۳۴۶ که درختان کاشته شدند، در دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ مدیریت فنی و اصولی بر این محدوده‌ها اعمال می‌شد و مداخلات فنی و پرورشی لازم صورت می‌گرفت، امروز با چنین شرایطی مواجه نبودیم. سه تا چهار دهه نخست در مدیریت جنگل‌کاری‌ها بسیار اهمیت دارد. با این حال، در شرایط فعلی نیز جای نگرانی نیست و باید با برنامه‌ریزی صحیح، این وضعیت را مدیریت کنیم.



تدوین برنامه ۱۰ ساله عملیات فنی و پرورشی برای احیای پارک جنگلی سرخه‌حصار

شعبانیان افزود: با توجه به شرایط موجود، باید این اقدامات را بر اساس برنامه‌ریزی صحیح دنبال کنیم. در حال حاضر، برای پارک جنگلی سرخه حصار در حال تدوین یک برنامه ۱۰ ساله برای عملیات فنی و پرورشی هستیم که مراحل پایانی خود را طی می‌کند و به زودی نهایی خواهد شد. این روند برای تمام جنگل‌کاری‌ها در حال انجام است، البته برای هر محدوده برنامه‌ای مستقل تهیه می‌شود. در مورد سرخه حصار نیز یک تیم کارشناسی در حال فعالیت است و مراحل پایانی تدوین برنامه را طی می‌کند. وی با اشاره به مراحل تصویب این برنامه‌ها، توضیح داد: پس از تکمیل مراحل تدوین، برنامه به کمیته فنی سازمان بوستان‌ها ارائه می‌شود. در این کمیته، استادان دانشگاه، محققان و کارشناسان باتجربه بخش اجرایی حضور دارند. برای هر بوستان، کتابچه‌ای تحت عنوان طرح فنی و پرورشی تهیه می‌شود که دربرگیرنده یک برنامه زمانی و مکانی ۱۰ ساله است و در آن مشخص می‌شود که در هر سال چه اقداماتی باید انجام شود.

معاون توسعه جنگل و کمربند سبز ادامه داد: این برنامه در کمیته فنی سازمان بوستان‌های شهرداری تهران بررسی و تصویب می‌شود، نواقص احتمالی آن برطرف و اصلاحات لازم اعمال خواهد شد. پس از آن نیز باید به کمیته فنی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان تهران ارسال شود تا به تصویب برسد. پس از طی این مراحل، امکان اجرای برنامه برای ما فراهم خواهد شد.

بررسی دقیق درباره جنگل‌کاری در پارک جنگلی لویزان

وی درباره وضعیت آماری جنگل‌کاری‌های تهران نیز گفت: ما آماربرداری دقیقی از جنگل‌کاری‌ها را در دستور کار داریم. بر اساس اطلاعات اولیه، بخش قابل‌توجهی از این جنگل‌کاری‌ها، در حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد، درگیر مشکلات مربوط به خشکیدگی و آسیب‌های ناشی از عوامل مختلف شده‌اند. درباره جنگل‌کاری در پارک جنگلی لویزان نیز باید بررسی‌های دقیق‌تری انجام دهیم.

معاون توسعه جنگل و کمربند سبز سازمان بوستان‌های شهرداری تهران، افزود: علاوه بر بررسی تصاویر ماهواره‌ای، در عرصه نیز نمونه‌برداری میدانی انجام می‌دهیم تا اطلاعاتی که ارائه می‌کنیم، دقیق، صحیح و قابل اتکا باشد و موجب ارائه آمار اشتباه یا گمراه‌کننده نشود. درباره درختان پارک جنگلی لویزان، اگرچه در حال حاضر آمار دقیق و نهایی را در اختیار نداریم، اما برآوردها در همین محدوده ۴۰ تا ۵۰ درصد است. البته عملیات آماربرداری زمینی در حال انجام است تا اطلاعات نهایی و دقیق مشخص شود. شعبانیان با بیان اینکه شرایط کنونی ریشه در اتفاقات چند دهه گذشته دارد، اظهار کرد: واقعیت این است که باید با شرایط موجود روبه‌رو شویم. این وضعیت مربوط به امروز یا پنج یا ۱۰ سال گذشته نیست، بلکه ریشه آن به ۳۰ تا ۴۰ سال قبل بازمی‌گردد و مجموعه اتفاقاتی که از آن زمان تاکنون رخ داده، ما را به شرایط فعلی رسانده است.

تشریح سه چالش جمعیتی ایران از نرخ باروری تا سالمندی

معاون بهداشت وزارت بهداشت، از کاهش نرخ باروری، کاهش ازدواج‌ها و شتاب گرفتن روند سالمندی به عنوان سه چالش همزمان جمعیتی ایران یاد کرد.

به گزارش «آگاه» علیرضا رئیسی گفت: ایران همزمان با سه روند کاهش باروری، ریزش پیوسته موالید و شتاب فزاینده سالمندی مواجه است؛ روندهایی که در صورت تداوم، ساختار جمعیتی کشور را با تغییرات جدی روبه‌رو خواهد کرد. وی با اشاره به کاهش مستمر نرخ باروری کل در کشور، افزود: این شاخص از ۱.۵۴ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۴۰۲ به ۱.۴۴ در سال ۱۴۰۳ و ۱.۳۴ در سال ۱۴۰۴ رسیده است. در حال حاضر ۲۹ استان از ۳۱ استان کشور پایین‌تر از سطح جانشینی جمعیت، یعنی ۲.۱ فرزند به ازای هر زن، قرار دارند.

معاون بهداشت وزارت بهداشت با بیان اینکه تعداد موالید کشور طی یک دهه گذشته حدود ۴۳ درصد کاهش یافته است، گفت: تعداد تولدها از یک میلیون و ۵۷۰ هزار و ۲۱۹ مورد در سال ۱۳۹۴ به حدود ۸۹۲ هزار مورد در سال ۱۴۰۴ رسیده است. همچنین بررسی آمار ۶ ماهه نخست سال ۱۴۰۵ از ادامه روند کاهشی موالید نسبت به مدت مشابه سال قبل حکایت دارد.

کاهش ازدواج و تاخیر در تولد فرزند اول

رئیسی با تاکید بر ضرورت توجه به عوامل ساختاری کاهش باروری تصریح کرد: مقایسه نرخ باروری کل با باروری نکاحی نشان می‌دهد مسئله اصلی صرفا کاهش تمایل زوج‌های متاهل به فرزندآوری نیست. نرخ باروری نکاحی حدود ۲.۵۴ فرزند است، در حالی که نرخ باروری کل به ۱.۳۴ رسیده است؛ این فاصله نشان می‌دهد کاهش ازدواج و تاخیر در تشکیل خانواده و تولد فرزند اول، نقش مهمی در افت باروری کشور دارد. وی با اشاره به کاهش حدود ۲۳ درصدی ازدواج‌ها در فاصله سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۴ افزود: میانگین سن ازدواج زنان در کشور حدود ۲۴ سال و سن مادر شدن در زمان تولد نخستین فرزند حدود ۲۷ سال است. این فاصله زمانی و افزایش سن ازدواج، فرصت فرزندآوری خانواده‌ها را محدودتر می‌کند و احتمال تولد فرزندان دوم و سوم را نیز کاهش می‌دهد.

شتاب سالمندی و کاهش رشد طبیعی جمعیت

معاون بهداشت وزارت بهداشت با اشاره به تغییر ساختار سنی جمعیت کشور اظهار کرد: سهم جمعیت ۶۰ سال و بیشتر از حدود ۹ درصد در سال ۱۳۹۵ به حدود ۱۲ درصد در سال ۱۴۰۵ رسیده و میانه سنی جمعیت کشور نیز اکنون حدود ۳۵ سال است. این شاخص‌ها نشان می‌دهد جمعیت ایران از ساختار جوان فاصله گرفته و به سمت سالمندی حرکت می‌کند. وی ادامه داد: رشد طبیعی جمعیت از حدود ۱.۳ درصد در سال ۱۳۹۰ به حدود نیم درصد در سال ۱۴۰۴ کاهش یافته است. از سوی دیگر، کوچک شدن گروه‌های سنی متولدشده در سال‌های گذشته به معنای کاهش تعداد مادران بالقوه در دهه‌های آینده است؛ بنابراین حتی ثابت ماندن نرخ باروری نیز به‌تنهایی برای توقف روند کاهش موالید کافی نخواهد بود.

رئیسی با اشاره به افزایش سن جمعیت و پیامدهای آن برای نظام سلامت خاطرنشان کرد: با افزایش سهم سالمندان، نیاز به خدمات سلامت سالمندی، مراقبت‌های طولانی‌مدت و برنامه‌ریزی متناسب با تغییر ساختار سنی جمعیت نیز افزایش خواهد یافت.

ضرورت تدوین سیاست‌های جمعیتی متناسب با شرایط استان‌ها

معاون بهداشت وزارت بهداشت با تاکید بر تفاوت‌های منطقه‌ای در شاخص‌های جمعیتی گفت: یک سیاست یکسان برای همه استان‌ها پاسخگوی شرایط جمعیتی کشور نیست. تفاوت در سطح باروری، سن ازدواج، فاصله ازدواج تا تولد فرزند اول و سرعت سالمندی ایجاب می‌کند سیاست‌ها و مداخلات جمعیتی متناسب با ویژگی‌های هر منطقه طراحی و اجرا شوند. وی، چند اولویت را برای مواجهه با چالش‌های جمعیتی کشور برشمرد و افزود: نخست، تمرکز برنامه‌های جوانی جمعیت بر زنجیره ازدواج تا تولد فرزند اول، سن ازدواج و فاصله زمانی تا نخستین فرزند است؛ زیرا مداخلات نباید صرفا بر فرزند دوم و سوم متمرکز باشند.

رئیسی ادامه داد: اولویت دوم، تقویت نقش نظام سلامت در مشاوره فرزندآوری، شناسایی فعال زوج‌های نیازمند خدمات، تشخیص و درمان ناباروری، مراقبت از بارداری سالم، کاهش سزارین‌های غیرضروری و پیشگیری از سقط است.

تجویز بی‌رویه ام‌آرآی و سی‌تی‌اسکن در کشور



عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، با انتقاد از تجویز بی رویه ام‌آرآی و سی‌تی‌اسکن در کشور، گفت: تداوم این روند نظام سلامت را به ورشکستگی می‌کشاند.

به گزارش «آگاه» اسدالله چراغی افزود: قیمت تجهیزات پزشکی در کشور چندین برابر افزایش یافته و این موضوع نگرانی‌هایی را در حوزه سلامت ایجاد کرده است. البته با توجه به شرایط تحریم و مشکلات موجود در واردات و تامین تجهیزات، افزایش هزینه‌ها دور از انتظار نیست اما باید برای مدیریت این وضعیت تدابیر جدی اتخاذ شود. وی با تاکید بر ضرورت اولویت دادن به پیشگیری در نظام سلامت، تصریح کرد: تا زمانی که پیشگیری را در اولویت برنامه‌های بهداشت و درمان قرار ندهیم روند افزایش نیاز و هزینه‌های درمانی ادامه خواهد داشت، باید با تقویت اقدامات پیشگیرانه، نیازهای غیرضروری به انجام ام‌آرآی، سی‌تی‌اسکن و تصویربرداری‌های پیشرفته را کاهش دهیم.

چراغی با انتقاد از تجویز بی‌رویه خدمات تصویربرداری پزشکی، افزود: امروز درخواست سی‌تی‌اسکن، ام‌آرآی و رادیولوژی پیشرفته به امری عادی تبدیل شده و گاهی پزشک به محض مراجعه بیمار، یکی از این خدمات را تجویز می‌کند در حالی که این روند اشتباه است و باید از شکل‌گیری چنین رویه‌ای در نظام سلامت جلوگیری شود. وی جلوگیری از نسخه‌نویسی و تجویزهای اضافی را از دیگر راهکارهای کنترل هزینه‌ها دانست و ادامه داد: باید نظارت بر تجویز خدمات تشخیصی افزایش یابد تا از درخواست‌های غیرضروری جلوگیری شود همچنین مسئولیت نگهداری و مراقبت صحیح از دستگاه‌های پزشکی باید به‌طور جدی بر عهده بیمارستان‌ها و مراکز درمانی قرار گیرد تا با نگهداری مناسب، از خرابی و فرسودگی زودهنگام تجهیزات جلوگیری شود.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
آگاه
روزنامه ۶۸۹

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: رضا ظریفی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست | سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
www.Agaah.ir m@agaah.ir agaah_ir

شنبه
۲۳ آبان ماه ۱۴۰۵
۴ جمادی الثانی ۱۴۴۸ | ۱۴ نوامبر ۲۰۲۶

اذان صبح	۰۵:۰۳
اذان ظهر	۱۱:۴۸
اذان مغرب	۱۷:۲۶
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۰۵

پریدن از این کار به آن کار عادتی که باتری روان را تحلیل می‌برد

یک روانشناس با بررسی ناتوانی مغز در انجام همزمان کارهای فکری پیچیده اعلام کرد: پریدن مداوم از یک کار به کار دیگر و بررسی مداوم گوشی همراه، باتری روانی فرد را خالی کرده و نشانه‌های آن به شکل افت تمرکز، کلافگی و کاهش تاب‌آوری نمایان می‌شود.

ژیلا سعیدی، روانشناس در خصوص اینکه پریدن مداوم از یک کار به کار دیگر و درگیری همزمان با چند دغدغه، باتری روانی و تمرکز فرد را خالی می‌کند، گفت: همان‌طور که یک ضرب‌المثل می‌گوید با یک دست نمی‌شود چند هندوانه برداشت، این موضوع درباره کارهای فکری عمیق و نیازمند تمرکز زیاد هم صدق می‌کند، یعنی مغز انسان در انجام همزمان فعالیت‌های پیچیده به یک اندازه توانمند نیست. وی ادامه داد: فردی را تصور کنید که در حال مطالعه عمیق یک کتاب است، اما کنار دستش گوشی موبایل قرار دارد و هر چند وقت یک بار پیام‌ها را چک می‌کند. هر بار که فرد سرش را از کتاب برمی‌دارد و به موبایل نگاه می‌کند وقفه‌ای ایجاد می‌شود و وقتی می‌خواهد دوباره به مطالعه برگردد باید به یاد بیاورد که کجا بود و چه می‌خواند.

به گفته این روانشناس، این فرآیند زمان بیشتری می‌طلبد و انرژی مضاعفی برای بازیابی اطلاعات نیاز دارد؛ طبیعی است که این وضعیت احتمال خطای فرد را افزایش می‌دهد. سعیدی با اشاره به اصطلاح «باقیمانده توجه» اظهار کرد: وقتی از یک کار ناتمام به کار دیگری منتقل می‌شویم، بخشی از توجه و تمرکز همچنان درگیر تکلیف قبلی می‌ماند، بنابراین ظاهرا کار دوم را شروع کرده‌ایم، اما تمام ظرفیتمان در اختیار آن نیست. تعبیر «خالی شدن باتری روانی» استعاره است و به ما می‌گوید برای داشتن تمرکز کافی، بهتر است کارهای فکری به صورت پیوسته انجام شوند و بین آنها وقفه ایجاد نشود.

وی با تاکید بر اینکه نقش اعلان‌ها و شبکه‌های اجتماعی در خستگی ذهنی غیرقابل انکار است، اظهار کرد: یکی از ویژگی‌های فضای دیجیتال این است که مدام محرک‌های تازه‌ای با رنگ‌ها و صداهای گیرا برای جلب توجه تولید می‌کند.

این روانشناس افزود: مسئله مهم‌تر شیوه استفاده از گوشی و تعداد وقفه‌هایی است که میان کار مهم فرد ایجاد می‌شود؛ برای مثال فرد برای چک کردن یک پیام به سراغ گوشی می‌رود، اما دقایقی بعد می‌بیند که در حال گشت‌زنی در دنیای مجازی و خواندن پیام‌های نامربوط است.

پناه بردن به فضای دیجیتال برای فرار از کار سخت

سعیدی با بیان اینکه عادت‌های رفتاری ما تاثیر زیادی روی دامنه توجه دارند، تصریح کرد: گاهی افراد برای فرار از خستگی، اضطراب یا انجام یک کار سخت به فضای دیجیتال پناه می‌برند تا از دشواری کار فرار کنند. وی ادامه داد: راهکار مناسب این است که استفاده از فناوری را هوشمندانه تنظیم کنیم؛ مثلا اعلان‌های غیرضروری را محدود کنیم یا زمان‌های مشخصی را برای سرزدن به دنیای دیجیتال در نظر بگیریم.

این روانشناس با بیان اینکه وقتی ذهن توان یک جا ماندن را از دست می‌دهد، نشانه‌هایی مثل فراموشی‌های روزمره یا کلافگی بیرون می‌زند، گفت: زمانی که پراکندگی توجه به وجود می‌آید، این وضعیت خود را در سه حوزه شناختی، هیجانی و رفتاری نشان می‌دهد. در حوزه شناختی فرد هنگام مطالعه به دلیل نداشتن تمرکز مجبور است مدام جزئیات را دوباره بخواند، رشته کلام را از دست بدهد یا برای گرفتن یک تصمیم ساده به زمان بیشتری نیاز داشته باشد.

پیامدهای هیجانی و رفتاری آشفتگی ذهنی

به گفته این روانشناس، تاثیر این وضعیت در حوزه هیجانی به این شکل است که فرد ممکن است احساس کلافگی، درماندگی و افزایش اضطراب کند و در حوزه رفتاری نیز دچار اهمال‌کاری شده یا کارهای نیمه‌کاره را رها کند. اگر اطلاعات هنگام ثبت در حافظه با توجه کافی ذخیره نشوند، دریادآوری دچار مشکل می‌شوند. البته همه مشکلات حافظه مربوط به چند پاره شدن ذهن نیست، بلکه استرس طولانی‌مدت، اختلالات خواب، افسردگی و برخی بیماری‌ها نیز می‌توانند افت تمرکز را به همراه داشته باشند. وی ادامه داد: پراکندگی مداوم توجه، آدم‌ها را به سمت زود از کوره در رفتن و بی‌حوصلگی می‌برد. وقتی زندگی فردی به‌طور مزمن تحت فشار قرار می‌گیرد، بدن با آن همسو می‌شود و احساس خستگی شدید و بی‌انگیزگی می‌کند؛ وضعیتی که به کاهش تاب‌آوری و ضعف حافظه منجر می‌شود. توجه و تنظیم هیجان دو فرآیند مجزا از هم نیستند و نواحی پیشانی و مغز در هر دو نقش دارند. وقتی فرد مدام در معرض استرس قرار می‌گیرد، حفظ توجه پایدار و تنظیم واکنش‌های هیجانی برایش دشوار می‌شود. سعیدی با ذکر مثالی تصریح کرد: فردی که درگیر فشارکاری یا نگرانی‌های مالی است، ممکن است تحت تاثیر این فشارها در برابر یک درخواست کوچک واکنش تندی نشان دهد که این نشان‌دهنده پایین آمدن آستانه تحمل است.

کناره‌گیری از جمع به دلیل تخلیه انرژی روانی

این روانشناس بیان کرد: وقتی فرد انرژی ذهنی و جسمی زیادی صرف می‌کند، تمایلش برای حضور در جمع کمتر می‌شود؛ البته باید میان نیاز موقت به تنهایی با انزوای پایدار تفاوت قائل شد. سعیدی در پایان گفت: فناوری‌های دیجیتال و اعلان‌های مداوم با تکه‌تکه کردن توجه، ظرفیت روانی انسان را تحلیل می‌برند و این پراکندگی ذهنی با فرسایش تاب‌آوری، خود را به شکل کاهش آستانه تحمل نشان می‌دهد که نیازمند مدیریت هوشمندانه ابزارهاست.

آب و هوا



بارش‌های پاییزی در نقاط مختلف کشور

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا از بارش باران، رعد و برق و وزش باد شدید در برخی استان‌های کشور خبر داد.

صادق ضیاییان با اعلام این خبر اظهار کرد: امروز شنبه (۲۳ آبان) در غالب مناطق کشور جوی پایدار همراه با افزایش نسبی دما حاکم می‌شود. رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا ادامه داد: فردا (یک‌شنبه) برای برخی از مناطق شمال غرب و غرب سواحل دریای خزر بارش پراکنده رخ می‌دهد. تا روز پنج‌شنبه کاهش محسوس دما در شمال شرق کشور پیش‌بینی می‌شود. ضیاییان در ادامه اظهار کرد: در دو روز آینده در نیمه شرقی کشور وزش باد در برخی ساعات شدید خواهد بود و در نقاط مستعد گرد و خاک پیش‌بینی می‌شود. همچنین طی سه روز آینده خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای خزر مواج پیش‌بینی می‌شود.



مراسم وداع با پیکرهای ۱۱۰ شهید گمنام در میدان انقلاب - تهران

همزمان با سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) که در تقویم رسمی کشورمان «روز شهید گمنام» نام‌گذاری شده است. مراسم تشییع پیکر ۱۱۰ شهید گمنام دوران هشت سال دفاع مقدس از مقابل در اصلی دانشگاه به طور رسمی با قرائت آیاتی از قرآن و زیارت عاشورا برگزار شد. آحاد مختلف مردم در تهران همزمان با آخرین روز از ایام فاطمیه با سر دادن شعارهای فاطمی و با در دست داشتن بیرق عزا و محکوم کردن جنایت‌های صهیونیست‌ها و حامیان این رژیم در غزه، به استقبال تابوت ۱۱۰ شهید دفاع مقدس رفتند.

عکس: ایسنا / مجید خواهی

حقیقتی که باید درباره یک وعده غذایی ایرانی بدانید!

خیار، گوجه و پنیر را با هم نخورید

یکی از رایج‌ترین صبحانه‌ها یا عصرانه‌های ایرانی‌ها، ترکیب خیار، گوجه و پنیر است؛ اما برخی باورها می‌گویند خوردن همزمان این مواد غذایی می‌تواند به معده آسیب بزند و هضم را مختل کند. آیا این هشدار پشتوانه علمی دارد یا با یک باور قدیمی روبه‌رو هستیم؟

نان، پنیر، خیار و گوجه یکی از رایج‌ترین ترکیب‌ها در سفره صبحانه یا عصرانه ایرانی‌هاست؛ وعده‌ای ساده و در دسترس که بسیاری از افراد آن را به‌صورت روزانه مصرف می‌کنند. با این حال، در طب سنتی درباره مصرف همزمان این مواد غذایی و تاثیر احتمالی آنها بر عملکرد دستگاه گوارش دیدگاه‌هایی مطرح شده است.

از نظر تغذیه علمی، خیار و گوجه حاوی آب، ویتامین‌ها و ترکیبات مفید گیاهی هستند و پنیر نیز پروتئین و کلسیم مورد نیاز بدن را تامین می‌کند. مصرف این مواد در کنار یکدیگر برای بیشتر افراد مشکلی ایجاد نمی‌کند. با این حال، برخی افراد ممکن است پس از خوردن این ترکیب با علائمی مانند موارد زیر مواجه شوند.

- **نفخ و احساس سنگینی:** در برخی افراد، مصرف حجم زیاد مواد غذایی یا حساسیت‌های گوارشی می‌تواند باعث نفخ شود.
- **ناراحتی معده:** افرادی که به گوجه فرنگی یا مواد غذایی اسیدی حساس هستند، ممکن است پس از مصرف آن دچار سوزش معده یا رفلاکس شوند.
- **مشکلات ناشی از عدم تحمل لاکتوز:** برخی انواع پنیر ممکن است در افراد حساس به لاکتوز باعث نفخ و ناراحتی گوارشی شوند.

چگونه وعده غذایی سالم‌تر و متنوع‌تری داشته باشیم؟

برای داشتن یک صبحانه یا عصرانه متعادل، لازم نیست خیار، گوجه یا پنیر را از برنامه غذایی خود حذف کنید. بهتر است به چند نکته توجه داشته باشید.

- **استفاده از گردو و کنجد:** افزودن گردو یا کنجد به صبحانه می‌تواند چربی‌های مفید و مواد مغذی بیشتری در اختیار بدن قرار دهد.
- **مصرف سبزی‌های معطر:** نعناع، آویشن و سبزی خوردن می‌توانند تنوع و طعم بیشتری به وعده صبحانه ببخشند.
- **توجه به تنوع غذایی:** تخم‌مرغ، نان سبوس‌دار، شیر، ماست و ترکیباتی مانند ارده و شیره نیز می‌توانند در برنامه صبحانه قرار بگیرند.
- **توجه به واکنش بدن:** اگر پس از مصرف برخی مواد غذایی به‌طور مکرر دچار نفخ یا ناراحتی معده می‌شوید، بهتر است الگوی غذایی خود را بررسی کنید و در صورت تداوم علائم با پزشک مشورت داشته باشید.

ترکیب خیار، گوجه و پنیر به تنهایی یک صبحانه ناسالم محسوب نمی‌شود. کیفیت مواد غذایی، میزان مصرف، تنوع رژیم غذایی و شرایط گوارشی هر فرد نقش مهم‌تری در سلامت دستگاه گوارش دارند.

سبک زندگی

راز آشپزی سالم؛ چطور بدون روغن زیاد غذای خوشمزه بپزیم؟

کاهش مصرف روغن به معنای خداحافظی با غذاهای خوش‌طعم نیست! با چند تغییر ساده در روش پخت، استفاده هوشمندانه از ادویه‌ها و انتخاب چاشنی‌های مناسب می‌توانید غذاهایی خوش‌عطر و لذیذ تهیه کنید و همزمان چربی اضافی سفره خانواده را کاهش دهید.

همه ما دوست داریم غذاهایی درست کنیم که هم سالم باشند و هم آن طعم و عطر بی‌نظیری را داشته باشند که همه را به میز غذا دعوت کند. اما همیشه یک چالش بزرگ وجود دارد: آیا برای رسیدن به آن طعم لذیذ، حتما باید از روغن زیاد استفاده کرد؟ واقعیت این است که بسیاری از ما تصور می‌کنیم روغن، تنها عامل طعم‌دهنده است، در حالی که روغن بیش از حد می‌تواند نه تنها سلامت غذا را به خطر بیندازد، بلکه با سنگین کردن آن، لذت خوردن را هم از بین ببرد. کاهش مصرف روغن لزوما به معنای بی‌مزه شدن غذا نیست. با تغییر در برخی تکنیک‌های پخت، می‌توان طعم واقعی مواد غذایی را بدون نیاز به چربی زیاد آزاد کرد. این روش‌ها علاوه بر حفظ سلامت قلب و عروق، تجربه‌ای متفاوت و حرفه‌ای از آشپزی را برای شما رقم می‌زنند.

۱. جادوی گرم کردن اولیه قابلمه:

یکی از اشتباهات رایجی که باعث مصرف زیاد روغن می‌شود، ریختن روغن در یک ظرف سرد است. وقتی روغن را در ظرف سرد می‌ریزید، مدتی طول می‌کشد تا به دمای مورد نظر برسد و در این مدت، مواد غذایی شروع به جذب روغن می‌کنند. پیشنهاد ما این است که ابتدا قابلمه را کمی گرم کنید و سپس روغن را اضافه کنید. این کار باعث می‌شود روغن سریع‌تر به دمای مناسب برسد و مواد غذایی به جای «جذب کردن» روغن، فقط با آن «آب‌کشی» یا تفت داده شوند.

۲. استراتژی دو مرحله‌ای برای ادویه‌ها:

ادویه‌ها قلب تپنده هر غذا هستند، اما اگر آنها را به درستی مدیریت نکنید، طعم‌شان در میان روغن و مواد دیگر گم می‌شود. برای اینکه با روغن کمتر، عطری قوی‌تر داشته باشید، از روش دو مرحله‌ای استفاده کنید. در مرحله اول، کمی از ادویه را با مقدار بسیار کمی روغن تفت دهید تا عطر اصلی آن آزاد شود. اما برای اینکه آن رایحه در میان بخار غذا از بین نرود، مقداری از ادویه را هم در دقیق‌ترین لحظه، یعنی زمانی که غذا تقریبا آماده شده، اضافه کنید. این کار باعث می‌شود لایه عطری غذا بسیار ماندگارو قدرتمند باشد.

۳. پیاز رنده‌شده؛ جایگزین هوشمند روغن:

همه می‌دانیم که تفت دادن پیاز پایه بسیاری از غذاهای ماست، اما تفت دادن پیاز با روغن زیاد، کالری غذا را به شدت بالا می‌برد. این کار یک ترفند عالی است. پیاز رنده شده سطح تماس بسیار بیشتری با حرارت دارد و بسیار سریع‌تر از پیاز نگینی، طعم خود را به غذا منتقل می‌کند. این کار باعث می‌شود شما بتوانید با مقدار بسیار ناچیزی از روغن، همان بافت نرم و طعم شیرین و کاراملی پیاز را در غذا تجربه کنید.

۴. اثر جادویی چاشنی‌های اسیدی در پایان پخت:

آیا تا به حال شده غذایی درست کنید اما احساس کنید چیزی کم دارد؟ گاهی اوقات مشکل کمبود روغن نیست، بلکه نیاز به «برجسته کردن» طعم‌هاست. استفاده از چاشنی‌های اسیدی مثل چند قطره آبغوره، آب لیموترش یا حتی مقدار کمی سرکه در پایان پخت، معجزه می‌کند. اسید موجود در این مواد، باعث می‌شود گیرنده‌های چشایی شما حساس‌تر شوند و طعم واقعی مواد غذایی را بهتر درک کنند. این کار دقیقا همان چیزی است که اجازه می‌دهد بدون نیاز به چربی زیاد، طعم غذا را بالا ببرید.

۵. مدیریت زمان برای سیر؛ جلوگیری از تلخی و سوختگی:

سیر یکی از خوشمزه‌ترین مواد برای طعم‌دهی است، اما اگر در زمان اشتباه استفاده شود، نه تنها طعم غذا را خراب می‌کند، بلکه باعث تلخ شدن آن می‌شود. سیر حاوی قندهای طبیعی است که در اثر حرارت زیاد خیلی سریع می‌سوزند. برای اینکه از مصرف روغن برای جلوگیری از چسبیدن سیر جلوگیری کنید و از تلخی آن هم دور بمانید، همیشه سیر را در ثانیه‌های آخر تفت دادن اضافه کنید. این کار باعث می‌شود سیر فقط گرم شود و عطرش آزاد شود، بدون اینکه نیاز به روغن زیاد برای کنترل حرارت داشته باشد.

۶. انتخاب ظرف مناسب؛ سرمایه‌گذاری روی کیفیت:

باید بگوییم که ابزار آشپزخانه شما، نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان روغن مصرفی دارد. استفاده از ظروف باکیفیت، به‌ویژه ظروف با پوشش‌های ضدچسب یا ظروف چدنی با توزیع حرارت یکنواخت، می‌تواند مصرف روغن شما را تا ۵۰ درصد کاهش دهد. وقتی ظرف شما کیفیت بالایی داشته باشد، غذا به کف آن نمی‌چسبد و شما دیگر مجبور نیستید برای جلوگیری از سوختن مواد، آنها را در روغن غرق کنید.

آشپزی سالم به معنای بی طعم کردن غذاها نیست؛ بلکه به معنای استفاده هوشمندانه از تکنیک‌هاست. با مدیریت زمان پخت، انتخاب ظروف مناسب و استفاده درست از ادویه‌ها و اسیدها، می‌توانید آشپزی خود را به یک هنر تبدیل کنید که در آن سلامت و لذت، دست در دست هم دارند. امتحان کردن این ترفندها را شروع کنید و ببینید چطور تغییرات کوچک، نتایج بزرگی در کیفیت سفره شما ایجاد می‌کنند.

#تجربه_کردم

اغلب ما اشتباه می‌فهمیم رفیق!... خیال می‌کنیم «بودن با اهل بیت»، یعنی: جفت‌وجور شدن همه چیز... راحتی... پول دار شدن و شبیه اینها.
اما بزرگان گفته‌ن: همین که علوی می‌شی، چکیده و ذره‌ای از همه بلاهایی که به سر سروران ما اومده، سر ما هم می‌آد... تا شباهت (مواسات) ایجاد بشه.
تحمل بلاها هم بیچاره‌ت می‌کنه، چون همه‌شون از «بیرون» سرت می‌آن.
به خاطر همینه که می‌گن- حتی اگه «عاشق» هم می‌شی- عاشق کسی شو که سرتاپاش «حسینی»ه...
اول: به خاطر اینکه نیروی عشق حسینی خودت رو نگیره و تواناترت کنه...
دوم: به خاطر اینکه وقتی از بیرون در فشاری، «درون» محیط جانت، آروم و امن باشه.
چفت شدن عاشق و معشوق حسینی، بالاترین هدیه‌ایه که سیدالشهدا(ع)، در دنیا نصیب عاشقان‌شون می‌کنن.

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده

دانشمندان بالاخره «مدت زمان طلایی خواب» را پیدا کردند

پرخوابی هم می‌تواند به اندازه کم‌خوابی خطرناک باشد

پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد خواب فقط زمان استراحت نیست؛ بخشی حیاتی از فرآیند نگهداری و ترمیم بدن است. نه کم‌خوابی و نه پرخوابی، هیچ‌کدام برای سلامت ایده‌آل نیستند. بدن انسان برای سالم ماندن، به خواب متعادل و منظم نیاز دارد. سال‌هاست پزشکان درباره خطرات کم‌خوابی هشدار می‌دهند، اما حالا پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد خواب بیش از حد هم ممکن است برای بدن خوب نباشد. نتایج یک مطالعه گسترده روی حدود ۵۰۰ هزار نفر نشان داده افرادی که کمتر از ۶ ساعت یا بیشتر از هشت ساعت در شب می‌خوابند، بیشتر در معرض پیری زودرس بدن و بیماری‌های مزمن قرار دارند. محققان می‌گویند بهترین بازه خواب برای حفظ سلامت عمومی بدن، بین ۶.۴ تا ۷.۸ ساعت در شبانه‌روز است؛ محدوده‌ای که ظاهرا با عملکرد بهتر مغز، قلب و سیستم ایمنی ارتباط دارد.

خواب و «سن بیولوژیک» بدن

دانشمندان امروز فقط به تعداد سال‌های زندگی نگاه نمی‌کنند؛ آنها مفهومی به نام «سن بیولوژیک» را بررسی می‌کنند، یعنی میزان واقعی فرسودگی سلول‌ها و اندام‌های بدن. این پژوهش نشان می‌دهد کیفیت و مدت خواب می‌تواند مستقیما روی این روند اثر بگذارد. به بیان ساده، خواب نامناسب ممکن است بدن را از درون پیرتر کند؛ حتی اگر فرد از نظر ظاهری سالم به نظر برسد.

کم‌خوابی چه بلایی سر بدن می‌آورد؟

پژوهشگران می‌گویند خواب کمتر از ۶ ساعت با افزایش خطر بیماری‌های قلبی، فشار خون بالا، دیابت نوع ۲، چاقی، ضعف سیستم ایمنی و اضطراب و افسردگی ارتباط دارد. در هنگام خواب، بدن وارد مرحله ترمیم می‌شود، یعنی مغز اطلاعات را پردازش می‌کند، سلول‌ها بازسازی و هورمون‌ها تنظیم می‌شوند.

چرا خواب زیاد هم نگران‌کننده است؟

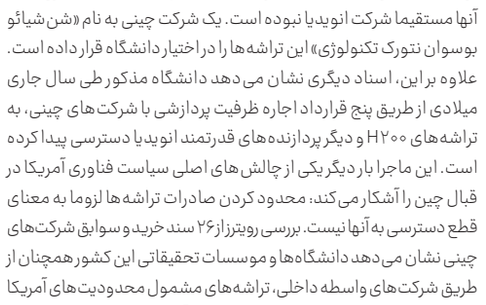
شاید عجیب باشد، اما پرخوابی هم در مطالعات علمی با مشکلات سلامت مرتبط بوده است. افرادی که بیش از هشت یا ۹ ساعت در روز می‌خوابند، بیشتر در معرض افسردگی، اختلالات خلقی، بیماری‌های عصبی و کاهش عملکرد شناختی قرار داشته‌اند. دانشمندان البته تاکید می‌کنند خواب زیاد همیشه علت بیماری نیست؛ گاهی خود بیماری‌های زمینه‌ای باعث افزایش نیاز به خواب می‌شوند. براساس برخی داده‌های این پژوهش، خطر مرگ زودهنگام در افراد کم‌خواب حدود ۵۰ درصد و در افراد پرخواب حدود ۴۰ درصد بیشتر از افرادی بوده که خواب متعادل داشته‌اند.

کیفیت خواب از کمیت آن مهم‌تر است

متخصصان خواب می‌گویند فقط تعداد ساعت خواب مهم نیست. خواب باید منظم، عمیق و باکیفیت باشد. فردی که هشت ساعت خواب منقطع و بی‌کیفیت دارد، ممکن است خسته‌تر از کسی باشد که هفت ساعت خواب آرام و منظم داشته است. بیولوژی بدن انسان بر اساس چرخه شب و روز تنظیم شده است. خوابیدن در ساعت‌های نامنظم، شب‌بیداری طولانی و استفاده زیاد از صفحه‌نمایش‌ها می‌تواند این ریتم طبیعی را مختل کند.

پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد خواب فقط زمان استراحت نیست؛ بخشی حیاتی از فرآیند نگهداری و ترمیم بدن است. نه کم‌خوابی و نه پرخوابی، هیچ‌کدام برای سلامت ایده‌آل نیستند. بدن انسان برای سالم ماندن، به خواب متعادل و منظم نیاز دارد.

منابع: sleepfoundation، nih



دانشگاه چینی، تحریم‌های آمریکا را دور زد

در حالی که واشنگتن تلاش می‌کند دسترسی چین به پیشرفته‌ترین فناوری‌های هوش مصنوعی را محدود کند، یک دانشگاه چینی که ارتباط نزدیکی با ارتش این کشور دارد، موفق شده است به تراشه‌های قدرتمند H200 شرکت انویدیا دست پیدا کند؛ تراشه‌هایی که صادرات آنها به دلیل محدودیت‌های آمریکا به‌شدت کنترل می‌شود.

به گزارش رویترز، دانشگاه پلی‌تکنیک شمال غربی چین، ماه گذشته دو تراشه H200 انویدیا را به ارزش ۸۷۴ هزار و ۷۰۰ یوان، معادل حدود ۱۲۳ هزار دلار، خریداری کرده است. نکته مهم اینجاست که این دانشگاه از سال ۲۰۰۱ در فهرست سیاه تجاری آمریکا قرار دارد و صادرات فناوری‌های تحت کنترل واشنگتن به آن، در اغلب موارد با ممنوعیت مواجه است.

این دانشگاه که در شهر شی‌آن قرار دارد، یکی از اعضای گروه موسوم به «هفت پسر دفاع ملی» چین است؛ مجموعه‌ای از دانشگاه‌های نخبه این کشور که فعالیت‌های پژوهشی آنها ارتباط نزدیکی با صنایع دفاعی و نظامی دارد. تحقیقات دانشگاه پلی‌تکنیک شمال غربی نیز حوزه‌هایی مانند هواپیماهای نظامی، موشک‌ها و ماهواره‌ها را دربر می‌گیرد. بر اساس اسناد خرید، دو تراشه H200 برای دانشکده مدیریت دانشگاه تهیه شده‌اند، اما فروشنده آنها مستقیما شرکت انویدیا نبوده است. یک شرکت چینی به نام «شن شیائو بوسوان نتورک تکنولوژی» این تراشه‌ها را در اختیار دانشگاه قرار داده است.

علاوه بر این، اسناد دیگری نشان می‌دهد دانشگاه مذکور طی سال جاری میلادی از طریق پنج قرارداد اجاره ظرفیت پردازشی با شرکت‌های چینی، به تراشه‌های H200 و دیگر پردازنده‌های قدرتمند انویدیا دسترسی پیدا کرده است. این ماجرا بار دیگر یکی از چالش‌های اصلی سیاست فناوری آمریکا در قبال چین را آشکار می‌کند: محدود کردن صادرات تراشه‌ها لزوما به معنای قطع دسترسی به آنها نیست. بررسی رویترز از ۲۶ سند خرید و سوابق شرکت‌های چینی نشان می‌دهد دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی این کشور همچنان از طریق شرکت‌های واسطه داخلی، تراشه‌های مشمول محدودیت‌های آمریکا را خریداری می‌کنند یا ظرفیت پردازشی مبتنی بر آنها را اجاره می‌کنند.